

# آذربایجان سسی

ایکینجی ایل نمره ۱۰ اردیبهشت - تیر ۱۳۲۶

۵۵ به ری ۲ مارک (۲۵۲ دلار)

## اوخوجولاریمیزلا

عزیز وطنداشلار!

بیز << آذربایجان سسی >> نی هله چیخارمادان قاباق بئله بیر آرزودایدیق کی ، باشلایاجیمیز ملی ، مدنی و اجتماعی فعالیتیمیزده بیر چوخ وطنداشیمیزین دا اشتراکی اولسون . بیز بونا اینانیردیک و ایندی ده اینانیریک کی ، هر بیر ایشده ، اولدغو کیمی بو واجب ملی ایشیمیزده ده بیر چوخلارینین امکندهاشلیقی هر باخیمدان فعالیتیمیزین دولقونلوقو، اولتلیقی و ساغلاملیقنا سبب اولایله ر .

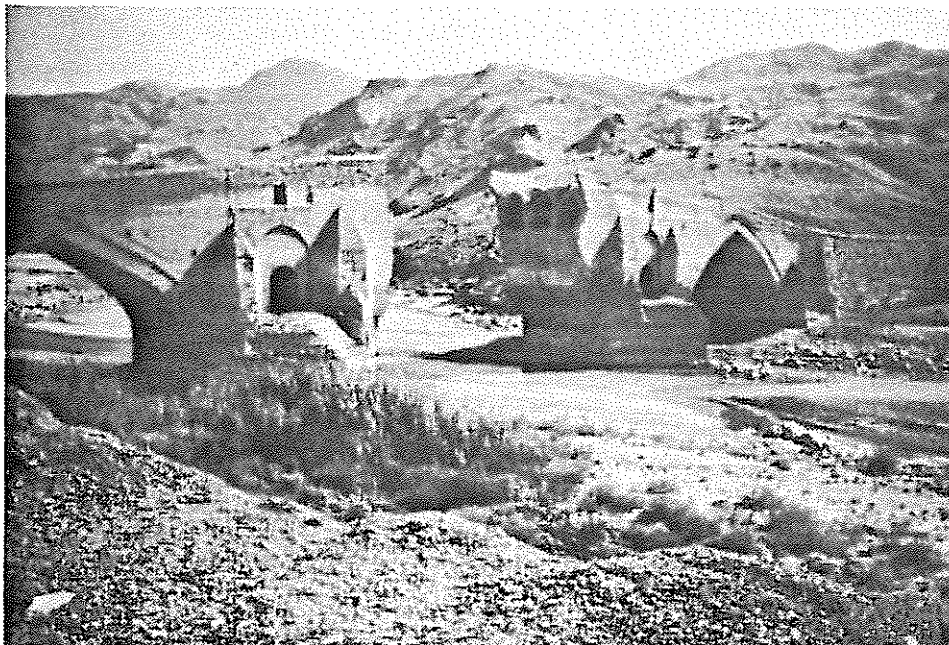
بیز او زامان بو آرزوموزو کترچک لندیرمک اوچون بیر نتیجه وطنداشیمیزلا بیر یئره یئغیشیب و بو حاقدا اوزون - اوزادی صحبت ائتدیک و ایشه باشلاماق اوچون ده بئلی اورتاق فیکیرلره جاتدیک . یازیق لار اولسون کی ، بیر چوخ ایشلریمیزده اولدوغو کیمی ، سونرادان وئردی ییمیز سوزوموزو دائیب و هله بیر لشمه دن آیریلیق هاواسی جالدیق ! ( گویا آذربایجانلی اولماغین باش شرطیندن بیری ده بئله هاوالاری یاخشی چالا بیلک میش III ) ائله بو مشوم هاوالارین نتیجه سی دئیل کی ، بیزیم بیر چوخلاریمیز هله ده کیم و هانسی خالقان اولدوغوندا خیرسیر دیر!!

آما بیز آرزوموزو اونوتما دیک . اونو آختارا - آختارا چوخ آز بیر قوه ایله << آذربایجان سسی >> نی ۹ سایه یا قده ر داوام ائتدیردیک و ایشیمیزی داهادا یاخشی لاشدیریب و دولقونلاشدیرماق اوچون بیر داهایا بیرلشمه هاواسی جالدیق ( چوخ شکور ! ) و آرزوموزو بیر نتیجه وطنداشین قولاغینادا جاتدیرا بیلدیک . سسیمیزه سنی وئره ن اولدو . بیز یئنه ده بیر یئره توپلانیب بو حاقدا اطرافلی فیکیرلر ایره لی سوردوک کی ، بونون نتیجه سی اینیزده اولان بو ده رگی دیر . به یه نیرسینیز ، بیزده ستونه ریگ ؛ به یه نیرسینیز سه ، داهایا یاخشی ساندیقینیز یولو بیزه ده گوسته رین ؛ وطنداش اینیزی بیزه وئرین . اوزونوزو حاقلاری ازیلمیش و دانیلیمیش آذربایجان تورکو بیلیرسینیزسه ، دوزغون قالمین . بیزیم یولوموزو قبول اتمیرسینیز ، دوزغو یولونوزو آجین . آنجاق یانیز وطنیمیز آذربایجانین ملی منافعه دوزغو . بیزی قبول ائدیرسینیزسه ، بیزه قوشولون ؛ نقصانلاریمیزی آرادان قالدیرماق اوچون ؛ بو چوخ واجب ملی وظیفه میزده اوغورلار قازانماق اوچون .

بیرده کی ، بو قدر کئچکدیمیزه گوره عنر لریمیزی قبول ائدین . قارشیمیزدا اولان جتین لیک لری آرادان قالدیرماق اوچون بو کئچیکمه لازم ایدی .

<< آذربایجان سسی >> نی هامیمیزین خالقی اولان آذربایجان خالقینین قانا بله شمش حاقلارینین اوزاق و ضعیف بیر زمزمه

سی بیلیرسینیزسه ، بیزه سنی وئرین کی سسیمیز باتیلماز و گور اولسون !



- ◆ در کجا ایستاده ایم ؟
- س . تبریزی
- ◆ در حاشیه نتایج ...
- ۱ . سئور
- ◆ ایران خالقینین ...
- م . دای اوغلو
- ◆ محمد بی ریا
- ی . شیدا
- ◆ تالانمیش گرنش
- هادی قاراچای
- ◆ خطر زرد ...
- س . سیداولی
- ◆ نشأ تبریزی
- م . ۶۰ حسین
- ◆ آدم
- درویش اوغلو

## در گجا ایستاده ایم ؟

## سخنی چند پیرامون برخی جهات مرحله کنونی جنبش ملی در آذربایجان

در کشور ما ایران، گهگاه در پس گردو خاکهای « رسمی » و خبرهای معمول و « جذاب »، آرام آرام روندهایی شکل میگیرند و گسترش می یابند که در آغاز، بویژه برای مغزهای زکام گرفته و معیوب، یا نامحسوسندو یا چندان قابل اعتنا نیستند. نه در رسانه های گروهی دولتی خبر مستقیمی پیرامون آنها میتوان یافت و نه در مطبوعات مخالفان تحلیلی از چند و چونشان. این روندها آنگاه مورد توجه قرار می گیرند که دیگر ناله ها به فریادها فراروییده اند و هنگام تلاطمات طوفانی قرار سیده است. آنگاه تحلیل های رنگ برنگ دیر هنگام شروع میشوند و تحلیلگران تاخیر کرده می کوشند شتابان خود را بیای تلاطمات برسانند و جبران مافات کنند. گسترش اعتراض علیه تداوم و تشدید ستم ملی و تبعیض در آذربایجان و ورود آن به دوره ای جدید از جمله این روندهاست. از گسترش اعتراض علیه ستم ملی و تبعیض در آذربایجان سخن میگویم و نه از آغاز آن. زیرا بویژه در ۷۵ ساله اخیر همواره این اعتراض وجود داشته است. و هرچند که تحت تاثیر عوامل و شرایط گوناگون درونی و بیرونی، دامنه و ژرفای این اعتراض فزونی ها و کاستی ها دیده و فراز و فرودها در آن راه یافته است ولی بگواهی تاریخ سده اخیر در تداوم آن خللی نبوده است سبب این تداوم بلاوقته اعتراض، آذربایجانستیزی بلاوقته ای است که در طول همه تاریخ اخیر کشور ما، بمشابه یکی از ارکان ثابت سیاستهای رژیمهای ضد مردمی و استبدادی حاکم بر ایران، بر این سرزمین اعمال شده است.

از گسترش دامنه اعتراضات سخن میگویم و برای اثبات آن نیازی به تلاش و تقلا فراوان نیست. کافی است چشمه را گشود و به رخدادهای آذربایجان در چند ساله گذشته نگاهی واقع بینانه انداخت، نه در روزنامه های مکتوب، بلکه در « روزنامه های شفاهی » این منطقه مروری کرد و به تقلاهای رژیم دقیق شد کافی است فاکت های پراکنده را در کنار هم قرار داد و واقع بینانه جمع بندی کرد. آنگاه این فاکتها و این مجموعه معنای دیگری خواهند یافت و از منظره جدیدی حکایت خواهند کرد و سخن ما دقیقاً بر سر همین منظره است.

از ورود مبارزه به دوره ای جدید سخن میگویم. زیرا برخلاف دوره قبل، این مبارزه دیگر محدود به بخشی از مردم آذربایجان یعنی روشنفکران نیست - که استخوانبندی و وزنه اصلی آنها همواره روشنفکران چپگرای آذربایجان دوست تشکیل میداده اند. حقیقت آنستکه در طول دهه های متمادی در میان جریانات سیاسی - نظری ایران تنها جریانات « چپ » در موضع مخالفت و مبارزه با ستم ملی در ایران قرار داشته اند و صرف نظر از میزان قاطعیت، وفاداری و پایبندی آنان در حیطه عمل، تنها در چارچوبه فکری آنان ضرورت احقاق حقوق ملی ملت های ساکن ایران بطور جدی طرح میگشت. از اینرو هر آذربایجانی که علیه ستم ملی برمی خروشد، در کوتاهترین مدت بازتاب خواسته خود را در برنامه های جریانات سیاسی - نظری چپ می یافت و یا تحت تاثیر شیوه حل آن در آذربایجان شوروی به اندیشه چپ میرسید و از سوی دیگر هر عنصر عدالتجو و ضد استبداد آذربایجانی که به چپ می پیوست، از مجرای عدالت و دموکراسی دست کم در حیطه تئوری به

ضرورت نفی ستم ملی پی میبرد.

با این دیالکتیک در این بخش از ایران مبارزه علیه ستم ملی و مبارزه در راه اندیشه های سوسیالیستی همواره توأمان بوده اند و یا در خورشاوندی نزدیک باهم قرار داشته اند. این پیوند میان چپ و مبارزه علیه آذربایجانستیزی بخشی از واقعیت کتمان ناپذیر تاریخ معاصر میهن ماست که بررسی جهات مثبت و منفی آن خود موضوع بررسی ای جداگانه است. در نتیجه این پیوند است که بویژه در دوره حاکمیت سیاه سلاله پهلوی ها هرگونه اعتراض علیه ستم ملی و هرگونه مبارزه علیه بیعدالتی با اتهام واحد کمونیسم و تجزیه طلبی مورد سرکوب قرار گرفته است. ناگفته نماند که همین روش رژیمهای فاسد خودضمنابمشابه عاملی در جهت تسریع همپیوندی میان این دو عنصر نیز عمل کرده است.

تلاش مستمر و آشکار حاکمیت پهلوی ها در جهت هویت زدایی از مردم آذربایجان، و سیاست سرکوبگری خشن این رژیم، در مجموع سبب تنگ تر شدن دایره شرکت کنندگان مبارزه علیه ستم ملی میگشت و رژیم بر سر همین نیز تعمد داشت.

بررسی سیر « مسئله ملیتها » در دوره بیست ساله حاکمیت جمهوری اسلامی خود موضوع بخشی جداگانه وجدی است که ما پرداختن به آن را به فرصت دیگری موکول می کنیم. در یک ارزیابی عمومی آنچه که در دوره حکومت اسلامی در این زمینه پیش برده شده است ادامه سیاست رژیم شاهنشاهی و تشدید آنست. با انقلاب و سرنگونی رژیم سلطنتی امیدواریهایی در زمینه جبران ستمگریها و تبعیضات گذشته و یا دستکم تخفیف آنها در اذهان عمومی پدید آمد ولی گذشت زمان بسرعت واهی بودن این امیدواریها را اثبات کرد. اگر در دوران پهلوی ها تئوری فاشیستی پان ایرانیسم و پارس پرستی ابزار فکری ستم ملی بود، در دوران اول حیات « جمهوری » ضرورت وحدت کلمه امت واحده و « واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا » بجای آن نشست. و سپس اتحادی نامقدس از تئوریها و کارگزاران دو رژیم پدید آمد. دانشمند نمایان و روشنفکر مآبان پر مدعای متجدد نمایان ابله عهد عتیقی های « موقوفات دکتر محمود افشار » و غیره بیاری کارگزاران جمهوری شتافتند تا بآدرهم آمیزی قدرت دولتی، پان اسلامیزم و پان پارسیزم نبردی نابرابر علیه ملیتهای مظلوم را شدت بخشند. و سران رژیم نیز که تا دیروز ملی گرایی را مخالف اسلام میدانستند و فارسی نویسی و فارسی گوئی آنها اسباب تمسخر همگان بود در کنار توجه به « امت اسلامی » به « دنیای ایرانی » و « زبان فارسی » نیز آویختند همانگونه که سبب روگردن ایندو اندیشه بهمیدگر برخی « ضرورت های زمانه !! » بود، ضرورت های دیگری مقاومت بیشتر در برابر آنها را بدنبال آورد. روزگاری بود که در برابر همه این ترفند های شوونیستی - چنانکه پیشتر گفتیم - بخش اندکی از مردم آذربایجان می رزمیدند. ولی ایندوران دیگر به پایان رسیده و آرام آرام دوران دیگری آغاز شده است. انقلاب بورژوازیهای بعد، تحولات جهان و منطقه به مردم نیز بسیار چیزها آموخته است.

در تحلیل رویدادهای چندین ساله گذشته در آذربایجان شاهد فرارفتن اعتراض از محدوده این بخش « سنتی » و پیوستن اقشار مختلف آذربایجانیان به این جنبش هستیم. ( واپسین نمونه بزرگ و چشمگیر این مدعا ماجراهای انتخابات اخیر شهر تبریز و شرکت چشمگیر اقشار مختلف

نیروها در حقیقت امر بخشی از ستمی است که بر ملیتهای تحت ستم ملی ایران اعمال میشود. اینجادیگر «اشتباه» ، به بیان بسیار نرم ومهریانه آن تاحدودی رگه هایی از «تعمد» درخود دارد. مبارزه در راه رفع ستم ملی نه فقط وظیفه منسویین بملل مظلوم بلکه وظیفه ای همگانی است . هرگونه «کم لطفی» این نیروها در اینخصوص ، جداز اراده این یا آن فردوگروه - سبب رشد گرایشهای ناسودمند وجداسریها خواهد گشت وهمین نیروها در مسئولیت عواقب آن پیشاپیش سهیم اند . ما آنکه شرط بلاغ است با این نیروها میگویم ویند یا ملال گرفتن آنان بر دوش خود آنان است .

سکوت نیروهای مدعی مبارزه در راه دموکراسی وجامعه روشنفکری ایران در برابر ستم ملی درآذربایجان جز نمونه ای از ناپیگیری آنان در امر مبارزه در راه دموکراسی نیست . سکوت ویی اعتنایی این نیروها در حقیقت امر بخشی از ستمی است که بر ملیتهای تحت ستم ملی ایران اعمال میشود. اینجا دیگر «اشتباه» ، به بیان بسیار نرم ومهریانه آن تاحدودی رگه هایی از «تعمد» درخود دارد.

بموازات گسترش روند آگاهی ملی و اعتراض علیه آذربایجان ستیزی ، دشمنان «حرفه ای» آذربایجان نیز به تکاپو افتاده اند. بخشی از این آذربایجان ستیزان را دانشمند نمایان فاشیست مآبی تشکیل میدهند ایننوسکوت نیروهای مدعی مبارزه در راه دموکراسی وجامعه روشنفکری ایران در برابر ستم ملی درآذربایجان جز نمونه ای از ناپیگیری آنان در امر مبارزه در راه دموکراسی نیست . سکوت ویی اعتنایی این نیروها در حقیقت امر بخشی از ستمی است که بر ملیتهای تحت ستم ملی ایران اعمال میشود. اینجا دیگر «اشتباه» ، به بیان بسیار نرم ومهریانه آن تاحدودی رگه هایی از «تعمد» درخود دارد. که ده های متما دی برای نابودی آذربایجان بشابه یک هویت تاریخی، فرهنگی و ملی کوشیده اند برای اینان ستیز با آذربایجان نماد مبارزه با همه ملیت های تحت ستم شونیسیم در ایران است . آنها به تبع همفکرانشان در حاکمیت دولتی در طول سده اخیر آذربایجان را نخستین سنگری دانسته اند که باید فتحش کرد . آنها زمانی که به آذربایجان میتازند همه را در نظر دارند . بخش دیشر آذربایجانستیزان روشنفکران تازه بدوران رسیده ای هستند که چه باور بکنند و چه نکنند زهر شونیسیم ۷۵ ساله چشم و گوش و ادراک و تعقلشان رامختل کرده است در این حوزه ، مبارزه فکری قاطعانه ، مستل و منطقی با اینان ضرورت مبرم زمانه است . می باید ماهیت نژاد پرستانه دسته نخست و تناقض درونی و سرانجام راه دسته دوم را صریحا افشا کرد.

در سرآغاز دوره جدید ، مبارزین آذربایجان مسئولیتی سنگین بر دوش دارند . آذربایجان سرزمینی فراموش شده دراعماق افریقا نیست . این ایالت دریکی از حساسترین مناطق امپراتریک جهان قرار دارد وپرداختن به تحولات وسرنوشت آن دقت ومسئولیتی شایسته می طلبد. احساس مسئولیت ، زاده، پیوند قلبی گرم وپننده بامغزی سرداست . واقعیت آنستکه علیرغم پیوستن اقشار جدید وتعمیق اعتراض

مردم تبریز بسود یکی از کاندیداها است که درتلیفات انتخاباتی خود کوشش برای رفع تبعیض از آذربایجان وتلاش برای رسمیت یافتن حق آموزش بزبان آذربایجانی را گنجانده بود و در روز رای گیری به «توصیه» تهران از کاندیداتوری منصرف شد. . علل وعوامل جلب این اقشار به این جنبش خود نیازمند تحلیلی جدی ومستولانه است . ولی برخلاف رای آنانکه ، گویا در قیاس با خود، سرچشمه هر جنبش مردمی را نخست دربیرون از مرزها میجویند ، سرمنشا این جنبش در واقعیات جامعه ما نهفته است . تشدید ستم ملی درآذربایجان وگسترش خودآگاهی ملی ، خود یکی از عوامل بسیارمهم جلب مردم آذربایجان به این جنبش است . ( پوشیده نیست که از برکت سر رژیم جمهوری اسلامی وهمکوشی منادیان «امت واحده» وشوونیسیت های کهنه کار ، آذربایجان دروضعیت آنچنان اسفباری قرارگرفته است که باورکردن آن حتی برای معترفین به وجود ستم ملی وتبعیض به سختی ممکن است . ما درآینده دراین خصوص به تفصیل سخن خواهیم گفت ولی اینک عجالتا علاقمندان را به مطالعه متن سخنرانیهای سینارآذربایجان وتوسعه «منتشره ازسوی استانداری آذربایجانشرقی ارجاع میدهم).

درمواردی ارزیابی اینگونه اعتراضات بمشابه اعتراضات صرفا آذربایجانگرایانه و «ملی» ، ارزیابی ای ساده انگارانه ومالا آستن انحرافات خطرناک است . این اعتراضات درآذربایجان میتوانند بمشابه مجرا و به بیان فلسفی «بهبانه» ای مناسب برای اعتراض علیه کل مجموعه اوضاع فلاکتبار اقتصادی ، اجتماعی وسیاسی کشور معنی شوند ، ولی نباید ازنظر دور داشت که سبب همین مجرا وبهبانه یعنی ستم ملی ، تبعیض و نقض ابتدایی ترین حقوق بخش بزرگی از اهالی کشور ، خودبخشی از مجموعه این اوضاع فلاکتبار راتشکیل میدهد . درنتیجه مبارزه پیگیرانه برای رفع ستم ملی وتبعیض ، باید بعنوان بخش ارگانیک مبارزه برای دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی ،اقتصادی وسیاسی کشور تلقی شود . هرگونه مبارزه برای دموکراسی در ایران، بدون مبارزه در راه لغوستم ملی و پشتیبانی از مبارزات دموکراتیک این ملیتها ، ناقص ، ناپیگیر ودرمواردی دروغین است .

مبارزه پیگیرانه برای رفع ستم ملی و تبعیض باید بعنوان بخش ارگانیک مبارزه برای دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی ،اقتصادی وسیاسی کشور تلقی شود . هرگونه مبارزه برای دموکراسی در ایران، بدون مبارزه در راه لغوستم ملی و پشتیبانی از مبارزات دموکراتیک این ملیتها ، ناقص ، ناپیگیر ودرمواردی دروغین است .

ارزیابی جنبش اعتراضی علیه ستم ملی بعنوان بخش جدایی ناپذیر جنبش برای دموکراسی وحقوق بشر در ایران ، ناگزیر متضمن وظایف ومسئولیتهایی است . یانباید آنرا دموکراتیک ، اصیل وانسانی تلقی کرد و یا اگرچنین ارزیابی شود باید درجهت تقویت آن وتحکیم پیوندهای آن باجنبش عمومی دموکراتیک کشور کوشید. این وظیفه مشترک نیروهای دموکرات درآذربایجان وکل ایران است. ازینرو سکوت نیروهای مدعی مبارزه در راه دموکراسی وجامعه روشنفکری ایران در برابر ستم ملی درآذربایجان جز نمونه ای از ناپیگیری آنان در امر مبارزه در راه دموکراسی نیست . سکوت ویی اعتنایی این

وکل کشور خواهد بود و در این تردیدی نیست .  
\*\*\*

**آذربایجان** ستمدیده همچون ققنوسی دیگر بار از زیر توده آتش و خاکستر سربلند میکند . تلاش جنون آمیز دولتهای فاشیستی و دانشمند نمایان ابله پوسیده مغز برای نابودی آذربایجان بمثابة هویتی تاریخی ، فرهنگی و ملی مقهور قانونمندیهای جامعه و طبیعت انسانی میگردند . عشق به سرزمین مادری ، عشق به زبان مادری و تاریخ و فرهنگ آن بنحوی روزافزون گسترش می یابد . شعله ای که روزگاری در دلهای جمعیت اندکی روشن بود ، اینک در دلهای توده آذربایجان راه می یابد . این شعله آگاهی به حقوق ملی و انسانی خویش و ضرورت مبارزه به خاطر آنست . آگاهی و تلاش شایسته ستایش است و گسترده تر کردن و هدایت آن در مسیر درست وظیفه آنان که خود را پیشگام میدانند . تلفیق مبارزه برای احقاق حقوق ملی با مبارزه در راه مجموعه ارزشهای انسانی ، دموکراتیک و ترقیخواهانه سنت دیرینه آذربایجان است .

با تمام توان این شعله فروزان عشق به زادگاه ، عشق به زبان مادری و فرهنگ و هویت ملی را پاس بداریم و در تحکیم پیوند آن با مبارزه در راه مجموعه ارزشهای انسانی و دموکراتیک بکوشیم . بگذار آذربایجان بار دیگر جایگاه واقعی خویش در مبارزه بخاطر حقوق ملی و دموکراتیک در کشور را باز یابد ....

حبیب - ف

**بارماقلار**

هر بیر بارماغین اوجوندا

مینئر سنوال یئرله شیر .

کلاس

بارماق بارماق اوجالیر

بارماق - بارماق اویره نیر -

کلاسلا رین

نبضی وورور بارماقلردا

من سه فیکیرده ییم

منیم هانسی جاواییم

بارماقلاری یینه ده

هاوایا قالدیزاجاق .

علیه ستم ملی در آذربایجان ، اگرکنر حوادث روال عادی خود را طی کند، هنوز تا اعتراض و جنبشی فراگیرو کاملاً آگاهانه راه درازی در پیش است و موانع بسیار بر سر راه . باید بجای نشاندن <<آرزوها>> بجای <<واقعیات زنده >> با زندگی برخوردی زنده و واقعینانه داشت . کاری که متأسفانه برخی از سر شوریدگی ویا بعلل دیگر نمی کنند.

در سر آغاز دوره جدید ، مبارزین آذربایجان مسئولیتی سنگین بر دوش دارند . آذربایجان مرزبینی فراموش شده در اعماق اروپا نیست . این ایالت در یکی از حساسترین مناطق استراتژیک جهان قرار دارد و پرداختن به تحولات و مرنوشت آن دقت و مسئولیتی شایسته می طلبد . احساس مسیولیت ، زاده للی گرم و پنده با مغزی مرد است .

شرایط جدید برخوردی زنده و فعال می طلبد . میزان زنده بودن ، بویژه برای آنانکه با مسائل اجتماعی درگیرند ، مشروط به داشتن اطلاعات است . اطلاع دقیق از اوضاع آذربایجان وکل ایران وانعکاس واقعی آنها ، هم از نظر انشای ستم ملی وهم از نظر تحلیل درست اوضاع فوق العاده مهم است . باتوجه به سانسور مضاعفی که در اینسور وجود دارد ، مبادله اطلاعات از ضروریات است .

با توجه به خود ویژگیهای آذربایجان و جنبش ملی آن هرگونه الگو برداری وهرگونه برخورد ساده لوحانه ، وافراط گرایانه به نقض غرض خواهد انجامید و نتایج منفی بدنبال خواهند داشت . اینک بموازات رشد دامنه اعتراضات، روشها واستراتژیهای متفاوتی از سوی کوشندگان عرضه میشود بدیهی است که در مسئله ای به حساسیت مسئله آذربایجان ، آنهم درمختصات کنونی سطح رشد آن، انتظار یگانگی روشها وهدفها ازهمه کوشندگان ، انتظاری غیرواقعی ناممکن وپیهوده ست . اختلاف آرا امری کاملاً طبیعی است ولی آنچه که طبیعی نیست اینستکه همه این روشها واستراتژیها هنوز در مرحله ابتدایی ونامنسجم قرار دارند وتلاش چشمگیری درجهت انسجام لازم وتکامل آنها ازسوی دارندگانشان بچشم نمیخورد . بحث ودیاگوگ میان دارندگان نظریات متفاوت یکی از شیوه های بسیار مفید وشدت موثر برای شناختن نظرات ، تشخیص جهات ضعف وقوت آنها وتکامل وانسجامشان است . اینک که جنبش ملی مردم آذربایجان بشدت نیازمند سلاح فکری است بحث وگفتگو نه آویختن جامه چرکین پیش چشم دشمن ، بلکه شناختن جهات ضعف وپیراستن خویش از آنهاست . چه بسا که این بحثها وگفتگوها بزبان این یا آن اندیشه پیش رود ولی قلم مسلم

آنکه ماحصل آن بسود جنبش عمومی دموکراتیک آذربایجان وکل کشور خواهد بود ودر این تردیدی نیست .

\*\*\*

~~آذربایجان ستمدیده همچون ققنوسی دیگر بار از زیر توده آتش و خاکستر سربلند میکند . تلاش جنون آمیز دولتهای فاشیستی و دانشمند نمایان ابله پوسیده مغز برای نابودی آذربایجان بمثابة هویتی تاریخی ، فرهنگی و ملی مقهور قانونمندیهای جامعه و طبیعت انسانی میگردند . عشق به سرزمین مادری ، عشق به زبان مادری و تاریخ و فرهنگ آن بنحوی روزافزون گسترش می یابد . شعله ای که روزگاری در دلهای جمعیت اندکی روشن بود ، اینک در دلهای توده~~

## در حاشیه نتایج

## انتخابات ریاست جمهوری

انتخابات ریاست جمهوری ، دوم خرداد ماه که در آن تنها چهار نفر موفق به رقابت در مبارزات انتخاباتی شدند از هر نظر حائز اهمیت است . شیوه ها و متدهای بکار بسته شده در این مبارزات انتخاباتی ، به همان میزان که آرایش نیروهای اجتماعی و حال و روحیه حاکمان و محکومان نظام ولایت فقیه را بعینه نشان میدهد ، بهمان اندازه هم شخص علاقه مند به مسائل سیاسی را بر آن میدارد تا بر اساس داده های عینی از روند انتخابات استنتاجات لازم را بنماید.

اگرچه کاندیداتوری ۲۳۸ نفر برای مقام ریاست جمهوری حکومت اسلامی ، خود به تنهایی آشفته بازار وتشدد فکری وسازمانی حامیان نظام جمهوری را بنمایش می گذارد وخود بازگویی واقعیات بسیاری است ، اما با اینهمه امکان دادن به وحق شرکت قائل شدن تنها به چهار نفر آنهم منتصبین شورای نگهبان قانون ولایت فقه ، که از میان آنها دونفرشان نیز بیشتر جهت صحنه سازی ، دکور و برای داغ نگهداشتن تنور انتخاباتی ریاست جمهوری در صحنه بودند ، یکبار دیگر نشان داد که چگونه نظام ولایت فقیه برای بقای خود ، دایره حفاظتی و امنیتی خود را تنگتر می نماید و چگونه مجبور میشود صفوف حامیان خود را در هرم حکومتی فشرده تر سازند تا در آینده در مقابل خطرات احتمالی جنبش عمومی در امان بماند .

بنا بر آمار های داده شده حدود ۳۳ میلیون نفر حق شرکت در انتخاب ریاست جمهوری را دارا بودند از این تعداد حدود یک سوم را ۱۶ تا ۲۰ ساله ها تشکیل میدادند ، یعنی آنهایی که در زمان وقوع انقلاب ۵۷ هنوز بدنیا نیامده بودند ویا حداکثر ۱۲ ساله بودند .

طبق اطلاع خیر گزارها حدود ۱۵ درصد از اهالی کشور که از حق رای برخوردار بودند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نجستند . این مقدار درصدی بالغ بر ۴ تا ۵ میلیون نفر میشدند که از حکومت رژیم جمهوری اسلامی یل به تنگ آمده اند ویا خسته شده ونمی خواستند با این نظام سروکاری داشته باشند .

از بین رای دهندگان قریب به ۷۰ درصد به حجت الاسلام خاتمی کاندیدای مشترک بلوک چپ و لیبرال - تکنوکرات اسلامی رای دادند که بنا بدلائل وجودی نظام استبدادی در کشور در میان روشنفکران ، زنان وجوانان از محبوبیت بیشتری برخوردار است .

همانطوریکه نتایج انتخابات نشان داد تنها کمتر از ۲۵ درصد رای دهندگان به حجت الاسلام ناطق نوری رئیس مجلس ، نماینده بلوک محافظه کاران سنتی وتاجران بازار وسرمابه داران بزرگ صنعتی وبخشی از حزب الهی ها رای دادند . این در حالی بود که ناطق

نوری از یک سال قبل برای محرز کردن پست ریاست جمهوری سفر های دور ودورازی را به اقصا نقاط کشور انجام داده بود وتا آخرین روزها از حمایت اغلب آیت الله های قم ، تهران و غیره برخوردار بود وباتبانی های آشکار ونهان با دایره رهبری خود رایبمه جانشینی رفسنجانی ساخته بود ونیروهای مخالفش یعنی پشت جبهه حجت الاسلام خاتمی ، هنوز شخص مناسبی را برای احراز پست ریاست جمهوری نیافته بودند .

حجت الاسلام خاتمی در تشریح برنامه های اقتصادی خود اعلام کرده که سیاست اقتصادی رفسنجانی را ادامه خواهد داد ودر نظر ندارد که جارجوب اساسی آنرا بهم بزند . سیاستی که حاصل آن ۶۰ درصد تورم در جامعه ببار آورده و۳۰ درصد ازنیروی فعال کشور را هنوز جذب بازار کار نکرده است .

مشکلات اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی در جامعه اسلامی به اندازه ای وسیع هستند که گمان نمیرود حل آن در دایره نظام ولایت فقیه ، از عهده دهها خاتمی هم بر آید .

با وجود اینها شناخت مشکلات در جامعه انگشت گذاشتن روی آنها ومحمور تبلیغاتی کردن آنها از طرف حجت الاسلام خاتمی رمز نپروزی وی در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری می باشد . این مشکلات که حجت الاسلام خاتمی با طرح آنها سکان ریاست جمهوری را بدست گرفته همان شعارهای اساسی مردم یعنی آزادی ، کار برای بیکاران ، مسکن برای بی سر پناهان ، مشکلات عدیده زنان ، جوانان و روشنفکران جامعه است .

آیا حجت الاسلام خاتمی قادر خواهد بود به تمامی ویا حتی بخشی ازقول وقرار هاییکه درقبال ریاست جمهوری به منتخبین خود داده واقعا عمل نماید ؟ زمان ودوره چهار ساله ریاست جمهوری او به این پرسش ، پاسخ قطعی خواهد داد .



## مارال قیاسی

## سؤیله مه

یوخ منه دتمه

سنومه دی یینی

سنوگی دولایلاریندا

چیخماز کوجه لره چیخماق چتین .

بولودسوز ا سین کیمی اسسن ،

یاغیش سیز بولود کیمی گلسن ییتر .

سؤیله مه

منه سنومه دی یینی هنج واخت سؤیله مه .

## قوناق!

گریده نمی گلدی

یترده نمی چیخدی

بیلمه دیک .

قالین قیریشلی آکینیندا تانری دامغاسی

الینده

مین دوووروت یوز ایل ده ن قالما

مقدس بیر بیچاق

بویلو قادینلارین جگرلرینی خیمیرتلیاراق (۱)

گریز

ساغ دوشو سول چیینینده (۲)

سول دوشو ساغ چیینینده (۳)

بیر قاراواش .

انله نه سورارسان آرخاداش

آیاقلاردا بارماق

بارماقلاردا دیرناق قویمادی

تانری نین ۱۴۰۰ ا یلیک مرحمت الی .

گولله سؤزده ن

بیچاق دیلده ن کسرلی

و اعدام دیرکلری

اورماندان سیخ .

داش باغلی

ایت آچیق

ایشته بیز بویله یاشادیق .

او ۲۰۳ - شفاهی ادبیاتییزدان اولان «آل آروادی» نین خامیت لرینده ن

دیر .

قیشین قارلی - چوغونلو گونلریندن بیری اولور. جعفر کیشی سحر یوخودان اویاناندا گؤرورکی ، یوخاری اوجاغینین یانیندا یانی بالالی برمارال یاتیر.

بو تکجه جعفر کیشی نین عایله سی اوچون یوخ بوتون بیر کند اوچون بیر معجزه اولور ؛ بو نا باخمایارق جعفر کیشی یانی بالالی مارالی آپاریب جاتقی داغینا اوتورور ؛

مارال گوندوز اوروشده اوتلاییب آخشام بنه ده گئری قایدیر ؛ جعفر کیشی ده بیر :

... یوخ بونلارا توخونماق اولماز ؛ مارال بو اوجاغی مقدس بیلیم گلیب ؛ جعفر کیشی اونو دا ده بیر کی ، بو ائوده هج بیر ایری ایش اولایلمز ؛ اوندا مارال لار دونوب گتدیر. تکجه ییزیم یوخ بوتون کند بوندان زیان چکه ر. گویده ن بلا انه ر .

بنله جه مارال لار بو اوجاغا اویره نیر ، ایلین دورد فصلینده چول لرده اوتلاییب، یئنه ده بو اوجاغا گلیر . جعفر کیشی نین عایله سی آنا مارال لاری ساغیب قاتیق چالماغا ، یاوانلیق دوزه تمه یه عادت ائدیر. بیر تکجه ایلین عرضینده جعفر کیشی نین وار - دولتی حددن آرتیق چوخالیر ؛ حتی قونشولاردان بونا پاخیلیق ائده ن ده اولور .

بیرگون بو کندین اوچو اوغلو قارا ، قونشو کندده ن بیر قیز ایسته بیر . قیز دا اوغلانی گوروب سئویمیش . لاکن قیزین آناسی او قده ر ده یاخشی آدام ده بیلیمیش . نازار کیشی نی هامی شر آدام کیمی تانی بیرمیش. او ائلچی لره ده بیر ؛

... هنج کسی بیلمه سین . اوچو قارا جعفرین قاپی سینداکی آنا مارالی اوروشده ن دیری دوتوب بو کنده گتیرمه سه ، او مارال بو حیه ت ده ساغیلمسا ، چتین کی بو سودا باش توتسون .

بو خبری اوچو قارایا جاتدیراندا ده بیر ؛

... او مارالی چول حیوانی حساب اتمک دوز ده ییل . تکجه ایل دیر کی ، او مارال اوز سورو سی ایله جعفر کیشی نین قاپی سیندا دیر . اوغلان چاره سیز قالیب سحر جاتقی داغینا چیخیر، عین اناختین قنشره ینده کی قیالیغا قده ر قورور، آندیقی کمند آنا مارالین بونوزونا کئچیر . آنجاق اوچی قارائین گوجو چاتمیر . آنا مارال اونو سورویوب قایدان سالیر . مارال دا اولور ، اوچودا .

اوچو قارائین سوگی لیبی مرجانین اویره یینه خوف دوشموشدو. اونا انله گلیردی کی ، بو گون نسه بدبخت بیر حادثه اولماق . او داها چوخ سوگیلی سی قارادان قورخوردو . قیز جاتقی داغیندان کئچیب ، قیسار داغینا گلدی . بیر قیزی ووردو . مارال لار بو سسده ن اورکوشوب یاستانایا توپلاشدی . قیز آنا مارالی گورمه دی . مارال لارا طرف قاجدی . گلیب گوردو کی ، اوغلان آنا مارالین بونوزونا کمند آتیب ، مارال اورکوب قایدان اوزونو آتیب ، اوچو قارادا اونون لا برابر داغدان دوشوب اولوب . قیز انله بیر یانقلی آه چکدی کی ، بوتون ائل یئرینده ن ترپندی .

آ داغلار اوجا داغلار

قار بئلین قوجا داغلار

اوچوسو جاوان اولموش

مارالی قوجا داغلار.

آداملار کیمی مارال لارین دا گوزلری یاشلی ایدی . ائل داغیلاندا مارال لار دا بیر دفعه لیک بو یئرلرده ن باش گوتوروب گتدیلر. بو داغلاردا مارال لاردان نشانه <<مارال قیاسی>>، ایکی گنجین اودلو

محببتینده ن ایسه بیر بایاتی یادگار قالدی ،

## ایران خالقینین سیاسی کولتور و کولتور (political culture) نشانه لره

م. دای اوغلر

گونده لیک دارتیشمالاردا انشیدیریک:

"سیاستین آتا آناسی اولمازا"، "سیاست هنردی"، "سیاستچی له ریالانچی آداملار اولالار"، "سیاستین آتا آناسینا لعنت"، "بو آدامین سیاسی کولتورو یوخدوا"، "بو آدامین سیاسی کولتورو آشاغیدی" و...

بو جمله لر، چثیتلی معنالارینا باخما یاراق، انسانلارین باخیشین سیاسته و سیاسی فنومن له ره گوسته رمک ده دیر. گونده لیک (عامیانه) تئوری له ره، سیاست و سیاسی فنومن لا را نورماتیو (دیه رله ندیریجی) باخیب و اونلارین بیر اخلاقی یوک داشاما لارینی ایسته ییر. سیاست علم له ری ایسه، سیاسی فنومن له ره آبیکتیو (عینی) یاخینلاشیر. بو دئدییمیز علم له ره، هر اجتماعی علم کیمی، فنومن له رین عینی وارلیق لارینی آراشدیریب و آچیقلاماق ایسته ییر.

"سیاسی کولتور"، سیاست علم له رینین بیر آراشدیرما تمالاریندان (موضوعلاریندان) بیر دیر. بو علم له ره، عوامین دوشونجه سینین عکسینه، سیاسی کولتورو دیه ر له ندیرمه یب، یالنیز اونون عینی وارلیقین آراشدیریب، گوسته ر مه یه چالیشیر.

ایلیک سورغو، سیاسی کولتور له علاقه لی، سیاسی انسانلارین سیاسی سیستم ایله سیاسی زول لا رین (نقش له رین) قارشیسیندا دیه ر له ندیریجی و دوغولو پوزیسیون لاری (موضع له ری)، اونلارین سیاسی کولتورو دشمک دیر. سیاسی کولتور سیاسی عادت له ره دشمکدیر هر بیر خالق کیمی ایران خالقیدا بیر سیرا سیاسی عادت له ره مالیک دیر. بو عادت له ره ایران خالقینین سیاسی کولتورو آدلانا بیله ره. خارجی له ره له دوشمانچیلیق، اوز خطا لارینی گورمه مک، سیاستین تانیلمیان آداملار ایله اداره اولونماسینا اینانماق و اقلیت له ره له دوشمانچیلیق ایرانلی لارین سیاسی کولتور له رینین اساس لارینداندیلار.

کولتورون نه اولدوغودور (تعریف یدیر). دشمک کی سیاسی کولتور نه دیر؟

انسانلارین، سیاسی سیستم ایله سیاسی رول لارینین

(نقش له رین) قارشیسیندا، دیه رله ندیریجی و دوغولو پوزیسیون لاری (موضع له ری)، اونلارین سیاسی کولتورو دشمک دیر. بوندان علاوه سیاست ساحه سینده بیر سیرا دواملی عادت له ره، اوزنک اولاراق آداملارین سیاسی فعالیت له رینه؛ سیاست آداملارینین (سیاسی رهبر له رین) سنجیلیب، قدرته چاتماق یول لارینا و سیاسی پروبلم له رین آرادان گوتورمه طرزله رینه (پروبلم لرین حل اشمک یولونا) سیاسی کولتور دئیلیر.

قیسا دئییلیسه، سیاسی کولتور، سیاسی عادت له ره دیر.

تمانی (موضوعون) داها آیدینلاشدیرماق اوچون، ایرانلی لارین سیاسی کولتور له رینین حقیقده بیر سیرا عمومی سوزله ره، تنز (اثبات اولونمامیش سوز) اولاراق قاباقا سورولور. یازان، تاریخی تجرویه له رین یاردیمی ایله بو تنزله ره یتیشیب، اونلارین علمی اثباتینی گله جه یه تاپشیریر.

ایرانلی لار اوز تاریخ له رینده، نه دن سه هنج زامان بیر دشمکراتیک سیستمی یارادا بیلمه ییب له ره. دشمکراتیک و آچیق بیر توپلومون اولماماسی، خالقین دوشونجه له رینی، بیر دیکتاتور سیاسی سیستمه اوغون، فورمالاشدیریب، یتیشدیریب دیر. خالقین بو سیاسی دوشونجه له ری ده زامانیندا دیکتاتور رژیم له رین قدرته چاتیب، موحکم له شمه سینه بیر پایه اولویدور.

ایرانلی لارین سیاسی کولتور له رینین اساسی جهت له ری نه دیر؟

۱. ایرانلی سیاستین، خالق دان آسیلی اولماماسینا اینانیب، ۱۹۷۹ ایل له رینده اوز آلی ایله یارادیب، باشا چاتدیران اینقلابین، آمریکالیلار و اینگیلیس له ره گوجوله مومکون اولماسینی قاباغا سورور. ایرانلی نین سیاسی کولتورونده بو دوشونجه یشر آلیب کی سیاست تانیلمیان آداملار آلی ایله دولاندیریلیر و خالقین اونا هنج تاثیر اولی بیلمه ره.

۲. ایرانلی، هر بیر سیاسی دیشیک لیگین دالیندا، خارجی گوجه رین آلینی ایشده گورورب، سوز سیاسی خطا لارینین اوستونو اوزتمه یه چالیشیر. هم عوام هم ده ایرانین ضیالیلاری، ایرانین گشیده قالماسینین نده نله رینی، ایرانین سینیر لارینین انشیینده آختاریلار. بو سبب ده ن قونشو

دیر. تنقید اولونورسادا، اونلار خارجی له ر مزدورو و عاملی تانیتدیریلیب و ایرانی عنصرون رولو(نقشی)حناقله چاتدیریلیب دیر.

ایران حکومه تینین و اونون اپوزسیونونون ادبیاتی اوقویان، قاباقا سوردویوم تشزله رین نه اندازه جدی اولماسینی آنلایا بیله ر. ایرانین سیاسی سیستمینه هر سیاسی گوج، سیاسی پروبلمی اؤزونده ن آیری گورور. ایرانین اقلیت له ری و اونلارین ضیالی لاری بیلمه لی دیرله رکی اقلیت له ر له دوشمانلیق، ایسته ر سه جنسی، ملی، یا مذهبی اولسون، ایرانی لارین سیاسی کولتورونده درین کوک له ره مالک دیر. یالنیز اقلیت له رین مستقل و گوجلوسو سیاسی ارگانیزاسیونلاری(جمعیت له ری و پارتیالاری) ایراندا، یشنی و مدرن سیاسی کولتورون یارانماسینا یاردیمچی اولای بیله ر ■

اولکه لر ، ایرانی لارین باخیمیندان هر زامان ایرانا قارشى بویوک خطر پتانسیلینی داشییرلار. تورک و عرب قارشیلیغین گوزه سی بو دوشونجه ده دیر.

۳. ایرانلیلار هر شکست دوره سینده، خارجی عاملی، شکست عاملی اولاراق بویودوب و ئوز خطا لارینی گیزله دیب له ر. خارجی له ر له قرن له ر بویو دوشمانچیلیق، ایرانی لارین سیاسی کولتورونده دوشونجه و قضاوت شابلونلاری یارادیب دیر. بو شابلونلو دوشونجه، ایرانلیلارین سیاسی کولتورله رینین آن مهم گوزه له رینده ن بیری دیر.

۴. ایرانین توپلوموندا سیاسی پروبلم له ر، هر زامان سلاح گوجویله آرادان قالدیریلیب، آنجاق حل اولونمایب دیر. بیر سیاسی رقابت ده، ایرانی، سیاسی حریفین فیزیکی یسوخ اشدیلمه سینی، سیاسی پروبلم یین آرادان گوتورولمه سیله برابر گورور.

۵. "پان عربیسم"، "پان تورکیسم"، "کومنیسم"، "صهیونیزم"، "امپریالیسم"، "فراماسونری" و "بهائی له ر"، ایرانی لارین سیاسی دونیاسیندا، بویوک یثر آلیب، قورخونج و گوجلوسو دوشمان معنا سینی داشی ییب لار. بو خیالی و آبستراکت دوشمانلار، سانکی بویوک دونیاده ایرانین داغیلیب، آرادان گشتمه سینی ایسه بیرله ر.

هر بیر خالق کیمی، ایران خالقینا بیر سیرا سیاسی عادت له ره مالیک دیر. بو عادت له ر ایران خالقینین سیاسی کولتورو آدلانا بیله ر. خارجی له ر له دوشمانچیلیق، اؤز خطا لارینی گؤرمه مک، سیاستین تانیلمیان آداملار ایله اداره اولونماسینا اینانماق و اقلیت له ر له دوشمانچیلیق ایرانی لارین سیاسی کولتورله رینین اساس لارینداندیلار.

۶. ایرانی لارین سیاسی کولتورونده اقلیت له ره، هئج بیر سیاسی یثر اولماییب دیر. ایرانین ضیالی لاری قرن له ر بویو، اقلیت له رله دوشمانچیلیق ادیب و اونلاری ئولکه ده بیر پروبلم اولاراق دیه ر له ندریب له ر. ایرانی لارین سیاسی کولتورونده، بیرلیک یوخوسونون هئج زامان واقعیتیه دونمه مه سی، مصنوعی و سلاح گوجویله بیرلیک یاراتماغا یول آچیب دیربو دوشونجه نین و بو سیاسی کولتورون سونوجو(نتیجه سی) ایرانی لارا چوخ پروبلم له ر یارادیب و یاراتماقدادیر. ایرانین سیاستچی له رینین و مقاملارینین رولو، ایران تارخیخینده وایران اولکه سینین دالا قالماسیندا، جدی تنقید اولونمساب

هادی قارچای

**ایشیق**

(منصور داورانین عظمتی روحونا)

بیر جوجوق وار ایدی

کویلو بیر جوجوق

<<جوبار>> رین هورمه دووارلارین اشاراق گلدی.

گبه تورپاق اوستونده

یازلیق چاییر کیمی

قالین دوداقلاری اوستونده

یوموشاجیق بیغلاری.

کیچیک گوده سینده بویوک آرزولار

و اولومه اینانمایاجاق قده ر

الترینده قابار...

شافاق چالارکن چاغیردیلار

ایشته تورپاق باشینا گنده جک کیمی دوردو.

شافاق چالیرکن آپاردیلار

و قاش قارالدی

او قایتمادی .

۱۹۹۷/۸۸۰





آشایدا گلن مطلب ، یحیی شیدانین ، آذربایجان ملی حکومتین معارف وزیر ی و آذربایجانین گورکملی شاعری محمد بی ریا حاقیندا توپلادیبی " اوره ک سوزلوی " مجموعه میندن آئینیشدی . مهاجرت شرائطیندن آسلی اولاراق حورمتلی شاعریمیز یحیی شیدا دان نشراتی آفاق همکون اولمادی . بو واسطه ایله عزیز وطنداشمیز دان عذر ایسته یویک .  
" آذربایجان سسی "

بی ریایم محتشم تبریز دیاریم دیر منیم  
بو وطن اوغروندا اولسم افتخاریم دیر منیم

محمد بی ریانین شعر لری ، ایستر جاوانلیق چاغیندا ، ایستر مه اختیارلاشمیش وقتینده احساسلی و اینجه دیر . او ساتیرک شعر لر یاراماقد ، ملی اثر لر یازماقد ، تالانتلی - اقتدارلی بیر شاعرلردن ساییلیر ، بو یولدا ، میرزه علی اکبر صابر ایله مقایسه ائتمک ممکن دیر .

او ، روان طبعین کولگه سینده یازدیغی شعر لرینده جامعه میزین فسادین و عیب لرین آری - دورو گوزگو کیمی خلقین پیشگاه نظرینه توتوب ، و چاره یوللاریندا ، ریاسیز گوزتمیشدیر .  
بی ریا ایمانلی - مهربان و اعتقاد لی شاعرلردن دیر کی حتی غربت اولکه سینده ده اوز ماهیتینده گیشدیرمه دی و بو ایش سبب اولدو کی او یشرین ایده نولوزوسیندا تحلیل اولماسین و دیگر شخصیت لر کیمی ماسک عوض ائتمه سین .

او ، اوزگه دیاریندا همیشه ناسیونالیست و اومانست بیر شخصیت کیمی یاشادی و بو یولدا دفعه لر ایله قازاماتا معروض قالیب ...

بیریا ایکینجی بین الخالق محاربه سی دؤرونده تۆکنمز بیر قوه ، سؤنمز بیر حرارت ، قورخو بیلمه یین بیر عسگر کیمی بیر طرفدن اوز آتشین شعرلرله مطبوعاتدا اشتراک ائدیر ، دیگر ، طرفدن او " چتیر یازلار " ، " روزنامه اداره سینده " ، استالینگراد ، " اریاب و اکینجی " کیمی کیچیک پیس لر ( نمایشنامه لر ) یازیب تشاتر صحنه لرینده نمایش ائتدیردی .

او زامان تبریز کارگلسری بی ریانی آذربایجان همکارلار اتفاقی مرکزی کمیته سی صدرلیگینه سئجه رک ، اونو کارگر حرکتی نین رهبر لیگینه کئچیریلر . بو دؤردن باشلیلاراق ، شاعر بیر کارگر تشکیلاتچی سی کیمی چالیشیر و ایشچی لر آراسیندا انتھاسیز بیر محبتله سئویلردی ...

آذربایجاندا معارف ، آنادیلی و آزادلیق یولوندا مبارزه آپاران دسته نین ایلك سیرالاریندا دوران بی ریا ۱۳۲۴ ده معارف وزیر ی اولدو .

بیریا ۱۳۲۵ ده دیگر مبارز ، دریدر هموطنلر کیمی ، شمالی آذربایجانا گشتدی ۳۴ ایل اورادا قالدی ، انقلابیمیزتمره چاتاندان سونرا ۱۳۵۹ دا سنودیکگی و حرمت بسله دیگی محتشم تبریز دیارینا گلدی ، و

بو طریقله چیرینان و آرام اولمیان اوره گی راحت اولدو و ایندیلیک اوز وطنداشلاری ایچره حیات سورور . \*

\* بو کتاب گونش ایلی ۱۳۶۰ دا نشر اولونموشدور . سونرالار بی ریا اسلامی حکومت طرفینده ن حبسه آئینیش و زنداندا وفات ائتمیشدیر .

" آذربایجان سسی " آشای دا بی ریا دان بسیر شعر اوخوجولاریمیزا تقدیم ائدیریک :

### یارانمیشام

من فطرتاً مبارز دوران یارانمیشام  
یوخسورلارا امید و نگهبان یارانمیشام  
حقین یولوندا ، ناطق قورآن علی کیمی  
اوز قانیما زمانه ده غلطان یارانمیشام  
بیکان ظلمه سینه می من ائتمیشم هدف  
زحمتکشین نجاتینا قلخان یارانمیشام  
گوزدیگجه منتظم ، دکیشیلمز اراده می  
فخر ایله رم کی ، صاحب ایمان یارانمیشام  
آخ کوبینه گیم قانیما بویاندیقجا دهرد  
اتلر بیلیر بو دسته به شایان یارانمیشام  
اعلان ائدین ، شعاریما خانن چیخانلارا  
من اونلارین زوالینا ، فرمان یارانمیشام  
بیرگون سلاح آلیب الیمه ، شانلی خلیقیمی  
آزاد ائنه نده سوله رم نائلخان یارانمیشام  
قوی آنلاسن مرامیمی ارباب ارتجاع  
من کارگر گروهینا قوربان یارانمیشام

تبریز ۱۳۲۳/۷/۸

"هادی قارا چای"

## تالانمیش گونش

( ناصر مرقاتی )

ناصر مرقاتی نین شعر لرینی آراشدیرماق ایکی باخیمدان داها آرتیق دیقته لایقیدیر . تاریخی باخیمدان ناصر مرقاتی جنوب شعرینین ان عصیانلی ان جوشقون دؤرونه عاید دیر . ساحرین ، اوختایین ، سهندین ، حبیب فرشبافین و اتله جه ده فارس شعرینین ۴۵ - جی ایلرده شاملو ایله ، فروغ فرخزاد ایله دویوش ماهینیلارینین اوستونده باش قالدیرمیش بیر شاعر دیر . باشقا یؤندن ایسه ناصر مرقاتی اولدوقجا شعرین درینلیگینه ، شعرین محض شعر واریانتینا ماراتقلی اولان بیریمی دیر . ایستر کلاسیک شعریمیزده ایستر سرست شعریمیزده ناصر مرقاتی یشنی لیگه ، تزه سؤزه و سؤزون تزه - تزه چالارلارینا اؤنم وئرن بیر شاعر دیر. تالانمیش گونش شعر توپلوسو تاسفلر اولسون فاشینست ایران دولتی چارچیواسیندا چاپ امکانی تاپمادی . بلکه ده بورادا ، آلمانیدا بیر گؤزل شعر توپلوسونا چاپ امکانی تاپماق اول .

ناصر مرقاتی شعر لرینده سانکی یوکسک بیر تپه ده اوتوروب ، انسانین گلیشینه - گئدیشینه ، انسانلارین یاشایشینا هوسله و دقتله باخیر. اونلارین آغری لاری ایله آغرییر ، سئوینج لرله سئوینیر ، و انسانلارین حیاتینا یول تاپان چاتیشمامازلیقلارا اورکدن آجی ییر . بو عادی انسان باخیشی دئیل ، اؤزونه یول آختاران ، گوزرانینی دوزلتمه یه چالیشان بیر انسان باخیشی دئییل . دونیانین دومان باسمیش غریبلیگینه آجی ییر و بو عادی گؤروشلرله گؤردویوموز دونیا دئییل . بوتون آجی لاری ایله شیرین - شیرین سئوگی لری بشجرده ن شهر لریمیز ، کند لریمیز ، ائولریمیز دئییل . بو ناصر مرقاتی نین باشیندان ایلدیرم کیمی سسلی - کویلو ، و وولکان کیمی داغیدیجی کشچیب گئده ن بیر تاریخ دیر . ناصر بو تاریخه ، بو آجسی تاریخیمیزه آجی ییر . شاهلیق زوراکی لیغیندان قورتاریب قورتارمامیش دین - مذهب زوراکی لیغی ایله قارشیلشمیش تورک دیللی بیر شاعرین آغی لاریدیر . بو بیر طرفدن ده ناصرین ایستر - ایسته مز عادی کوتله دن آیریلما سینی و بوتون تئینمه لرده بیر آیدین و ضیالی تئیینده اشتراک ائتمه سینی گؤسته ریر. طبیعی کی ناصرین دیلی ده اؤزونون گرچک وارلیغیندان دوغمالی دیر . اونون

آیدین و ضیالی تئییندن . و دلیل بلکه ده بیچیمین ( فورمانین ) ان دیری و گؤزه چاربان بویاسی دیر . ناصر مرقاتی بعضاً بیچیمده ( فورمادا ) شیلتاق بیر شاعیر گؤرونور . ده بیشکن و بیر خط اؤزه رینده یول گئتمه ین شاعیر . بو سبؤزومه اورنک اولاراق کتابین باشلانغیجیندا ، الیمده بیر قرنفیل وار ، اگر یار آلماسا نئسینیم / سؤزوم وار صبحه دک یساره ، یانیندا قالماسام نئسینیم / مفاعیلن وزنینده یازیلیمیش بیت دیر . منجه ناصر بو بیستی تصادف اولاراق کتابین باشلانغیجیندا قویمامیش دیر . او شعرده اساس اولان اوز دئییر اؤز دور دئییه کلاسیک شعر لریندن بیر بیت گتیر مه یه قناعت ائتمیش دیر . داها دوغرو سو من شعرین بو فورماسینادا او فورماسینادا اینانیرام دئمک ایسته میشدیر . ناظم حکمت دئمیشکن : "هنج بیر شکیل امکانینی ، طرزینی انکار ائتمیره م . شعر قافیله لی ده ، قافیله سیزده ، وزینللی ، وزین سیزده ، بول رسیملی ، هنج رسیمسیز ده ، باغیراراق دا ، پیچیلدایاراق دا یازیلما بیلر . یشتیر کی یازیلماق شئی اولسون و بو یازیلماق شئی ان اویقون شکلینی ، بعضاً به لیر لی بیر تاریخی مرحله یه گؤره ان اویقون شکلینی - ان اوستاجاتاپمیش اولسون " \* عین حالدا ناصرین "تابلو شعری " و "پاندول " شعری ده اونون اؤزده اویناق و ده بیشکن لی بیینی و بو اویناق و ده بیشکن لیبه اینامینی گؤسته ریر . چونکو او دئدییم کیمی بونلاری تصادف اوزره دئیل بوتون اینامی ایله بیله رکن گتیرمیشدیر .

ناصر کیمسه نی تعجب لندیرمک فیکرینده دئییل . گؤزله نیلمز شعر طرزینده یؤنه لمیر . عکسینه اوخوجونو ان ده رین دوشونجه چالارلارینین دیبینه آپاریر سونرا دئییر باش قالدیر ، یوخاریلارا باخ ! "عدالت قیلینجین ایتیرمیش فئمیدانی " گؤزه حکسن و "انکیدونین اولوم سیر ینین جاوایینی بولماقدان عاجز قالمیش انسانلاری گؤزه جکسن و گؤزه جکسن کی " تکجه آدینی قوروموش انسان " .

ناصر مرقاتی نین سسی چوخ - چوخ اوزاقلاردان گلیر . گورمه دییمیز ، یاشامادیغیمیز بیر دیاردان گلیر . آما سس او قدر تانیش ، او قدر دوغما دیر کی ، ایستر - ایسته مز اونو دینله مه یه قولاق قیر پیر سان . تالانمیش بیر نسلین یورقون آما غرور لو ، آما تجربه دولو ناغیللارینی و هنج بیر زامان ایتمه یه جک اومود لارینسی دینله بیرسن . اؤزده

چوخ اوزاق و عین حالدا چوخ یاخین بیر دیلده . اوزاقدیر اونا  
گۆزه کی ناصرین شعر دیلی بو گونه قدر جنوب شعرینده هله  
منیمسه نمه میش بیر دیلدیر . بوروق - بوروق سۆزلر ایچینده  
انسانی یالنیز بوراخیر . آمما فیکیر لابسیرینتین ده سنی  
دوشونمه یه ، سنی آختاریشا و اولوب کتچنلری ده رینده ن  
قاوراماغا چاغیریر . و اینانیرام کی ناصری قاورایانلار ،  
قاورامایانلار دان داها چوخ اولاجقلار .

"تالانمیش گونش" شعر توپلوسونون چاپ اولماسینی  
آرزو اتده ره ک "آذربایجان سسی" غزه تینه و بوتون  
آذربایجانلا باغلی ده رنگ لره تکلیف اتدیره م بسو حاقدا  
الترینده ن گلن یاردیمی اسیرگه مه سینلر .

"ناظم حکمت . نوم اثر لری ، هولیا چاپی ، - جسی خلد ،  
۱۹ - جو صجفه .

"تالانمیش گونش" شعر توپلوسون دان ایکی اؤرنک :

### قاراقیش

کۆکۆتو دریندن سالیب ،  
سینسی میش تورپاق  
یاشیل لیق حسرتین اونودا بیلیمیر ؛

و نیسگیللی حیات ،

بیر ایپک دونون تمناسیندا

اتینی یالیندیر ؛

آخ ...

ای بیرلیگی سئون کۆچری قوشلار ،  
سیزین هر تشلینیز بیر رنگه چالیر ؛  
و اینیلتی لرینیز ،  
دار قفسلردن اوزاغا گتتمیر ؛  
هره بیر قیشلاغدا ،  
باشقا بوداغدا قیشلاییر سینیز ؛

بوردا قیش ،

نه ساختا ،

نه قارا ،

نه کدر لیدیر !

### اؤرتوک

یاغار...

یاغار...

و آ...غ - آپ - باغ

آغاردار...

هر یشری

قار...

- "نه شیرین ایلنجه !

لطفاً ،

دۆیمه سین قاپیمی کیمسه..." دئییه ؛

قیمیلدامادان باخار...

و باخار...

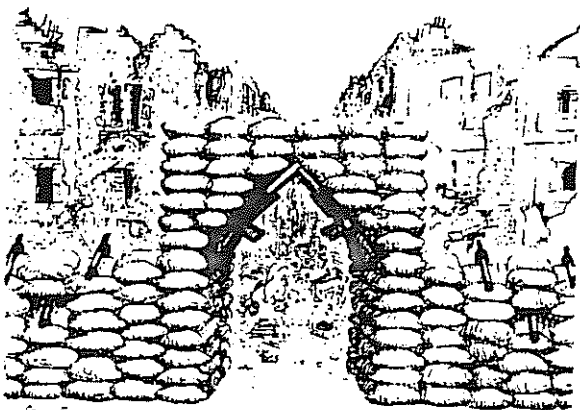
و یاغار...

و باخار...

و اؤرتو اوستونو اؤرتوک کیمی قار .

- "آه نه یامان سنوینج !"

بختیار و دینج .



## خطر زرد یا دشمن خیالی

" برسر در یکی از انجمن های به اصطلاح " آذری " برلین نوشته اند ورود سگ و فارس زبان ممنوع است " و بعد که از خشم و غضب آذربایجانی ها و احتمال شکایت آنها به دادگاه باخبر می شود ماست ها را کیسه می کند . و اگر کسی هم پیدا شود و جوابیه ای به این نوع دروغ پراکنی ها بنویسد ، نشریه چپ و دمکراتی چون " آرش " از درج آن خودداری می کند ، چرا که مسئله ، " مسئله آذربایجان " است !! دکتر " عنایت رضا " که هم از توبره می خورد و هم از آخور ، دیروز برای نزدیکی به شاه و امروز برای نزدیکی به شیخ سراغ " مسئله آذربایجان " رفته و با هزار لطایف الحیل و حتی جعل سند می خواهد ثابت کند که منطقه ای بنام آذربایجان شمالی وجود ندارد بلکه آن اران است و این آذربایجان و اگر کسی آن ور ارس را آذربایجان بنامد پان ترکیست است و بس . و طنز روزگار را ببین که همچو کسی که نظرات شوونیستی اش در باره ملت آذربایجان احتیاج به توضیح ندارد حال سر در آخور شیخ عضو هیئت علمی دایرةالمعارف اسلامی و مؤلف ماده آذربایجان شده است . یاللعجب !! و اینگونه است که " مسئله آذربایجان " برای عده نی از نویسندگان و محققین نه تنها تبدیل به نان دانی بلکه به عنوان چشم اسفندیار تمامیت ارضی وسیله ای برای تبری جستن از " گناه " چپ بودن و نزدیکی به راست شده است .

البته تصحیح اشتباهات گذشته و اعتراف به آنها نه تنها کار بدی نیست بلکه نشانه سلامت عقل و شجاعت مننی است . منتها استغفار این نوع اشخاص فرصت طلبانه و دروغین است .

ازخیل این تحلیل گران و مفسران سیاسی که پشت سر هم اظهار نظر های آنچهانی کرده و حرفهای صد تا یک غاز می زند می توان آقای " مهرداد ارفع زاده " را نام برد . اینکه این آقا کیست و چه کاره است موضوع این مقاله نیست . بلکه قصد بررسی نوشته این جناب در نشریه کار ( ارگان سازمان فدائیان اکثریت ) شماره ۱۲۵ ( چهارشنبه ۹ آبان ) است . در این مقاله که در رابطه با تهاجم پاکستان به افغانستان نوشته شده است نویسنده مطالبی را طرح می کند که هر آدم عاقل و دور اندیشی را به فکر فرومی برد . بخصوص ما آذربایجانی های مارگزیده شستمان فوراً خبر دار می شود که خدایا ایندفعه چه خوابی برای ما دیده اند . ابتدا بد نیست نظری به خود مقاله بیندازیم .

این جناب در مقاله " رویارویی با تهاجم پاکستان به افغانستان " بعد از بررسی هدف های پاکستان از کمک به " طالبان " افغانی برای کسب قدرت ، که احکام صادره خود جای بحث بسیاری دارند ، می نویسد :

" مسئله آذربایجان " برای عده نی از نویسندگان و محققین نه تنها تبدیل به نان دانی بلکه بعنوان چشم اسفندیار تمامیت ارضی وسیله ای برای تبری جستن از " گناه " چپ بودن و نزدیکی به راست شده است .

" بررسی سیاست بنیادی پاکستان در این منطقه به ما کمک می کند تا هشیاران تر سیاستهای مشابه آینده حکومت ترکیه - خطر تهاجم سیاسی و نیز نظامی اش را در آینده - نسبت به ایران در یابیم ، سیاست راهیابی از مرز های خاکی یعنی آذربایجان ایران به جهان ترک زبان . " جل الخالق ! چون پاکستان به بخشی از مجاهدین افغانی

برای عده نی از روشنفکران و مفسرین سیاسی خارج از کشور فضل فروشیهای غیرمستولانه تبدیل به سنت بسیار بدی شده است . روزی نیست که در نشریات چاپ خارج و رسانه های گروهی ایرانیان شاهد اینگونه اظهار نظرها و تحلیل ها نباشیم . بخصوص اگر موضوع مربوط به تمامیت ارضی کشور و به تبع آن " مسئله آذربایجان " باشد ، مفسرین ما اختیار از دست داده ، چشمها را بسته دهان را باز می کنند و هر چه دل تنگشان می خواهد می گویند . اینگونه است که هر گاه قلم بدستی - بخصوص اگر مغضوب حاکمان امروزی و دیروزی باشد - بخواد دل از ما بهتران را بدست آورد ، شروع به قلم فرسائی در باره آذربایجان ، تجزیه طلبی و ... می نماید . هرگاه نویسنده و سیاستمداری بخواد خود را از انگ کمونیسم و برجسب چپ ( که انصافاً به ناحق به این آقایان زده شده است . زیرا که اینها علیرغم هارت و پورتهایشان نه کمونیست و نه حتی چپ بوده اند . کسانی بودند که بوی کباب را شنیده بودند منتها بعد از گذر از " مدینه فاضله " دیدند که خر داغ می کنند . و گر نه چگونه می توان مثلاً تا دیروز تفنگ بدست برای احقاق حقوق ملی کردها جنگید و بعد یکشبه تغییر جهت داده و رضا شاه را به قهرمان ملی ایران بدل کرد !! ) خلاص کند و خلوص نیت خود را ثابت نماید با چند تا فحش بته تجزیه طلبان و پستان به تنور چسباندن برای مام میهن و تمامیت ارضی آن به سراغ " مسئله آذربایجان " و نهضت ۲۱ آذر می روند . کمونیست !! سابقی چون بابک امیر خسروی که از نزدیکی به شوروی و چپ طرفی نمی بشدد این دفعه بخت خود را با امریکا و راستها آزموده و به عنوان " صاحب نظر " سری به " مسئله آذربایجان " زده و بدترین مطالب را در باره جنبش مردمی آذربایجان نوشته و روی شوونیست های دو آتشفه را سفید می کند و آخر سر که خدمت را تمام نشده می بیند و می ترسد که طرف منظور اصلی او را نفهمیده باشد از کیسه خلیفه بخشیده و فریاد می زند : " ای کاش ماهم فارس بودیم " . نویسنده و محققى چون " میرفطروس " که زمان پدر تاجدارش به پیروی از مدروشنفکرانه آن زمان چند تا فحش به پدر و پسر داده است حالا برای جبران مافات کیلو ها کاغذ را سیاه می کند که : اگر این پدر و پسر نسبت به ملیت های غیر فارس خشونتى نشان داده اند قصدشان خدمت بوده است . کتانه سلطانی برای صاحب شدن ستونی در کیهان لندن و ارتزاق از این راه آنرا بدل به ستون " مسئله آذربایجان " می کند . منتها وقتی که آتش بیش از حد شور می شود و صدای همه در می آید آن ستون را از او گرفته و به " محمد ارسى " نامی می دهند تا بلکه آذربایجانی نسب بودن این یکی از شوروی آتش کمی بکاهد . و این دومی برای عقب نماندن از قافله و ابراز اخلاص خود به ارباب حتی از جعل خبر و دروغهای شاخدار نیز ابائی ندارد . بطوریکه در همان ستون کذائى بنقل از منبع نامعلومى می نویسد که :

در آذربایجان تا آنجا پیش رفت ( این سیاست هنوز هم پیش برسد می شود ) که با طرح برنامه های پنجاه ساله سعی در از بین بردن زبان ترکی آذربایجانی در این خطه کردند . در تمامی این دوران " خطر شوری " و " خطر تجزیه آذربایجان " همچون چماقی برای سرکوب هر نوع حرکت آزادی خواهانه بکار می رفت .

سیاست اسیمیلاسیون شورویست ها در آذربایجان تا آنجا پیش رفت که با طرح برنامه های پنجاه ساله سعی در از بین بردن زبان ترکی آذربایجانی در این خطه کردند .

موجهای خروشان انقلاب بهمین که ملیت های غیر فارس در ایجاد آن نقش بسیار بزرگی داشتند ، سلسله پهلوی را چنان روید که آرزوی سلطنت به دل نوه رضا خان ماکسیم ماند . همراه با این خاندان تنگ و فساد عده زیادی از روشنفکران پان ایرانیست که در ایجاد و تحکیم حکومت این سلسله نقش بی بدیلی داشتند ، نیز به خارج از کشور فرار کردند . بدین ترتیب در کشاکش انقلاب و در گیری های داخلی بعد از آن که دولتمردان اسلامی هر یک بدنبال نمادی از کلاه انقلاب بودند ، برای چند صباحی رؤیای ایجاد امپراطوری فارس به فراموشی سپرده شد . لیکن بعد از فروکش کردن تب و تاب اولیه و بدنبال فروپاشی اتحاد شوروی نیل پان ایرانیست های تازه بدوران رسیده و کهنه کار دوباره یاد هندوستان کرد . البته دلیل دیگر این " نوستالژی " را باید در آن دید که بعد از روشن شدن ماهیت " جامعه بسی طبقه توحیدی " ، ایندولژی اسلامی بتنهائی برای تحمیق مردم و یارگیری های جدید کفایت نمی کرد . مضافاً بر اینکه دولت مردان اسلامی حیفشان می آمد که از نتیجه تبلیغات پنجاه ساله دوران پهلوی و تربیت ایندولژیک یک نسل از روشنفکران فارس استفاده نکنند . و بدینگونه در کنار واژه هائی همچون امت اسلامی که ظاهراً در آن تفاوت انسانها نه به زبان و ملیتشان بلکه به تقوی شان کم کم مفاهیمی چون " دنیای ایرانی " ( بخوان دنیای فارسی ) ، جهان فارسی و ... بر سر زبان ها افتاد . و اشخاص معلوم الحالی همچون " چنگیز پهلوان " که تادیروز برای پنهان شدن دنبال سوراخ موش می گشتند ، دوباره به سطح مشاور دولت مردان اسلامی ارتقا یافتند . منتها از بخت بد " خطر شوروی " خیلی وقت است که دیگر وجود ندارد . و برای باقی ماندن آن یعنی روسیه ، دولتهای غربی چنان آشی پخته اند که بعید بنظر می رسد که به این زودیاها سرد بشود . و از طرف دیگر دولت روسیه بعد از انقلاب یکی از متحدین جمهوری اسلامی محسوب می شود . پس باید دنبال دشمن خیالی دیگری گشت . تا اگر کسی خواهان احقاق حقوق ضایع شده ملی شد و یا از ستم ملی صحبت کرد بشود با این چماق سرکوبش کرد . اینجاست که قرعه بنام کشور ترکیه می خورد . اینک می توان سخنان فوق الذکر آقای " ارفع زاده " و پاراگراف بعدی نوشته وی را بهتر فهمید : " ... پشتونها از اقوام ایرانی هستند . زبان آنها مانند گیلکی و کردی و پارسی و ... شاخه ای از زبان های ایرانی است . آنها با دیگر اقوامی کسسه مجموعه شان افغانستان نام گرفته اند . نزدیک و همراهند ... " و اگر در عین حال به پاراگراف اول مقاله ←

برای تصرف قدرت کمک کرده است پس می توان بسادگی نتیجه گرفت که ترکیه نیز در آینده از طریق آذربایجان به ایران حمله خواهد کرد . به این میگویند تحلیل ناب !! اگر کسی خیلی ساده باشد و مقاله نویس و روزنامه ای را که ناشر اینگونه نظریات است نشناسد می تواند آنرا نیز جزو حرفهای صد تا یک غاز قلمداد نموده و به سادگی از کنار آن بگذرد . منتهم اینبار مسئله به این سادگی نیست . و کسی که کمی از سیاست های دولت های حاکم بر ایران در هفتاد سال اخیر با خبر باشد نمی تواند به سادگی از کنار آن بگذرد . بد نیست که این نظریه سیاست راه یابی از مرز های خاکی به جهان ترک زبان را کمی بشکافیم .

سلطنت رضا خان سابق و رضا شاه بعدی که مقدمات آن با کودتای انگلیسی علیه قاجاریه فراهم شده بود هر چند که در آغاز با مقاومت جدی طبقات و اقشار ایران آن زمان برخورد نکرد . ولی در روند استقرار خود با مشکلات بزرگی مواجه شد . برای همین با راهنمایی و هدایت روشنفکران انگلوفیل و کاسه لیس دربار براساس سیاست های آن روز امپریالیسم انگلیس ایندولژی ارتجاعی و ضد کمونیستی پان ایرانیسم ( بخوان پان فارسیسم ) بوجود آمد . این ایندولژی نه تنها برای استحکام پایه های سلطنت رضا شاه بلکه جهت مبارزه با اتحاد شوروی و ایندولژی دولتی آن یعنی کمونیسم ابداع شده بود . بر خلاف تفکر سیاسی قاجارها و انقلاب مشروطیت ( انجمن های ایالتی و ولایتی ) که بر عدم تمرکز و احترام به ملیت های ساکن ایران و زبان و فرهنگ آنها تاکید می کرد ، پان ایرانیسم بشدت ارتجاعی و تمرکز گرا بود . این ایندولژی در تحکیم پایه های دیکتاتوری رضا خان نقش خیلی مهمی داشت . و جای آن دارد که نقش خائنانه آن عده از روشنفکران که پان ایرانیست ها ، آشکار و پنهان سعی در پوشاندن لباس خادم ملت به آنها دارند ، به موقع خود روشن شود . به هر جهت یکی از اهداف مهم این ایندولژی از بین بردن تفاوت های ملی و قومی در ایران به نفع زبان و فرهنگ فارسی بود . اساس ایندولژی پان ایرانیسم بر برتری ملت فارس و تحقیر ملت های دیگر ، رؤیای احیای امپراطوری با شکوه گذشته ، باز گرداندن سرزمین های از دست رفته ای چون هفده شهر قفقاز ، بحرین ، افغانستان و بلوچستان و ... استوار بود . تصور اینکه این ایندولژی و سیاست های تابع آن بر سر ملیت های غیر فارس چه ها آورد مو بر اندام آدمی راست می کند و البته موضوع این مقاله نیست .

با ورود متفقین و استقرار ارتش سرخ در قسمت هائی از خاک ایران بنا به ملاحظات سیاسی ایندولژی پان ایرانیسم ظاهراً به صنوق خانه دربار شاهنشاهی سپرده شد . لیکن بعد از سقوط حکومت دکتر مصدق بار دیگر روح نازه ای به کالبد مرده آن دمیده شد . و تا انقلاب بهمن ۵۷ به عنوان ایندولژی رسمی دولت های حاکم با شدت و ضعف ( بسته به مناسبات میان ایران و شوروی ) پیش برده شد . البته مطالبه ۱۷ شهر قفقاز و سیاست همسای مشابه آن بود که بعضاً به فراموشی سپرده می شد . و مگر نه از شدت سیاست سرکوب ملت های غیر فارس به غیر از چند صباحی هرگز کاسته نشد . سیاست اسیمیلاسیون شورویست ها

یعنی: "افغانستان، پشتونستان و تاجیکستان در بافت تاریخی، زیست اجتماعی - اقتصادی" ناگزیر سیاسی، به یکدیگر وابسته اند و هر سه با ایران پیوستگی دارند" توجه کنیم آن موقع قصد آقای "ارفع زاده" از مطرح کردن "خطر تهاجم سیاسی و نظامی ترکیه" روشن می شود. این مقاله برای ایدئولوژی پان فارسیمم سابق لباس تازه نسوخته و محضورات احتمالی دولتمردان جمهوری اسلامی را در استفاده از این ایدئولوژی آریامهری به تمامی از بین می برد. با این حساب "خطر شوروی" جای خود را به "خطر ترکیه" و "خطر سرخ" جای خود را به "خطر زرد" می دهد. یعنی از این به بعد برای پیش بردن سیاست شونیستی حاکمین - که البته تعداد قابل توجهی از روشنفکران فارس در داخل و خارج تعزیه گردان آن هستند - دشمن خیالی ترکیه باید جای خالی دشمن سابق را پر کند. و از این به بعد هرگاه کسی صحبت از حقوق ملی و خودمختاری و فدرالیسم کرد، فوراً او را عامل ترکیه معرفی کرد. وای به حال آذربایجانیها که زیانشان نیز به گروه زبانهای ترکی تعلق دارد و در عین حال با ترکیه نیز همسایه هستند. به خاطر همین از دو سه سال قبل روزی نیست که در ایران و بخصوص در آذربایجان... عوامل و جاسوسان ترکیه" دستگیر نشوند. اگر زمان رژیم سابق با همسایه ساواکی ات بر سر بلندی و کوتاهی دیوار مشترک تان دعویات می شد و طرف با استفاده از جو بشدت مسموم برای کویبندت ترا عامل روس معرفی می کرد، امروزه در جمهوری اسلامی کار به آنجا می رسد که عده ای از جوانان تبریزی که دو سال قبل برای فرار از یکنواختی روزهای عزاداری به دامان طبیعت پناه می برند، ابتدا به اتهام شرابخوری دستگیر می شوند ولی حاکمین اسلامی که موقعیت را مناسب تشخیص می دهند به اتهام آنها رنگ سیاسی داده و آنها را به دولت ترکیه می چسبانند. در دادنامه و کیفرخواست دادگاه انقلاب برای این دستگیر شدگان بخت برگشته از جمله آمده است: "... متهمین یاد شده با شش دستگاه سواری به حوزه استحفاظی پاسگاه... با حمل مشروبات و آلات لهر و موسیقی عزیمت و سه روز در آن محل اتراق و مرتکب معاصی و... در شب... دور هم جمع شده به نواختن ساز، دایره و موسیقی و خواندن آواز و انجام رقص و پهای کویسی و کف زدن... موجبات تأسف اهالی دیندار منطقه را فراهم و آنان را از قدرت حکومت اسلامی و نظام مقدس که شهرت جهانی دارد مایوس نسوده اند... و این در مقطعی از زمان که قضیه پان ترکیسم وسیله دولت ترکیه و دولتمردان جمهوری آذربایجان شوروی با شدت هر چه تمامتر جریان داشته و عده ای از داخل کشور بخصوص اهالی آذربایجان شرقی با این حرکت شوم همکاری داشته و مرکزی در این رابطه و سایر حرکات ضد انقلابی در آذربایجان شوروی تشکیل یافته و جمعی از افراد گروهکها و ضد انقلاب به آن جلب و مشغول فعالیتند و جمعی در این رابطه دستگیر شده اند..."

کشور ایران تا موقتی که حقوق ملل غیر فارس در آن به یکی از محورهای ممکن رعایت نشود، رنگ آزادی و آرامش را نخواهد دید.

اگر دلیل "نزدیکی و همراهی" آنگونه که آقای "ارفع زاده" می نویسد نزدیکی زبان باشد آنوقت چرا باید افغانی، تاجیک و پشتون به بیش از سی میلیون نفری که در سراسر ایران به ترکی آذربایجانی و یا یکی از لهجه های آن تکلم می کنند از ترک ها نزدیک تر باشند؟ چرا که تئوریسین های پان فارسیت چنین می خواهند. برای یک روشنفکر آذربایجانی چرا باید فلان شاعر تاجیک - که هرگاه بخواهیم از شکل و مضمون شعرش قضاوت بکنیم باید او را همعصر فردوسی و نه معاصر "لورکا" قلمداد کنیم - از "حسنی داغلاجا" ی ترسک نزدیکتر باشد؟ چرا که روشنفکر نا آگاه و شونیست فارس که دور تر از دماغش را نمی تواند ببیند و به عالم و آدم افاده می فرورد، چنین می خواهد. روشنفکری که با یک سفر یک هفته ای به استانبول و خوردن "دو کبابی" در آک سرای این شهر در بازگشتش به ایران در باره ادبیات ملتی که "ناظم حکمت" ها، "عزیز نسین" ها، "یاشارکمال" ها و صد ها و هزاران شاعر و نویسنده "بزرگ و مطرح در سطح جهان را در دامانش پروراند است، اظهار نظر های آنچنانی می کند، روشنفکری که از اظهار نظر هایش در باره ادبیات کشور همسایه و ملت برادرمان بوی حسادت می آید، (اینجا قصد من مقایسه ادبیات کشور ترکیه که در آفریدن آن همه ملیت های ساکن آن کشور از جمله کرد ها و ملت های غیر ترک نقش دارند، با ادبیات کشور خودمان که به غلط و به شکل کاملاً جعلی و زیرکانه ادبیات فارس نامیده می شود نیست. به عنوان کسی که به هر دوزبان ترکی و فارسی مسلط و با ادبیات هر دو کشور آشنا هستم، ادبیات معاصر ترکیه را در مقایسه با ادبیات ایرانی را بالنده تر و جهانی تر می بینم و دلیل آنرا وجود دمکراسی نسبی در ترکیه و نزدیکی آنها به اروپا می دانم.) روشنفکری که اطلاعاتش در باره کشور همسایه (که به نظر من هیچ کشوری در دنیا مثل اهالی ترکیه از هر نظر که نگاه کنی به ایرانیها شبیه نیستند.) به شکل وحشتناکی محدود و معیوب است. چرا که گنده گوزی های روشنفکرانه اجازه نداده است اطلاعاتی در باره مردم کشوری که برای او انسانهای درجه دوم محسوب می شوند بدست آورد. حال اینکه حتی اگر از نظر مذهبی هم که نگاه کنی، بیشتر از ۲۰ میلیون علوی ترکیه به ۲۰ میلیون علوی ترکیه به شیعیان ایرانی نزدیک تر هستند

که با برادران و خواهران خود در ترکیه ، جمهوری آذربایجان ، ترکمنستان و ... ارتباط فرهنگی برقرار بکنند . و برای این کار محتاج به هیچگونه اجازه ای از حاکمین اسلامی و یا اپوزیسیون آن نیستند .

روشن فکر فارس اگر وجدان دارد باید به ستم ملی و تسایح اجتماعی ، اقتصادی و ملی آن در ایران اذعان کرده و برای رفع آن دست به اقدامات عملی بزند . و مگر نه " ما را به خیر تو امید نیست شرمرسان ! " ♦

\* اشاره به اعلامیه " جمعیت مبارزه با ترک پرستی در ایران " منتشره در برلین ماه مای ۱۹۹۵

س . سیداوالی

سنی های افغانی و یا تاجیک های اسماعیلی . و یا کرد های ایرانی با میلیونها کرد ترکیه شرنوشت مشترکی دارند تا مثلاً با تاجیکها و ... لذا از هر نظر که بنگری تشریح آقای " ارفع زاده " و به تبع آن احکام صادره اش حرف مفت است و بس .

دمکرات و " آزادی خواه " مدالی نیست که هر کسی بپوشد به میل خود بر سینه اش آویزان کند . بلکه در عمل است که باید دمکرات بود .

تجربه چند دهه تاریخ معاصر ایران نشان داده است چاهی که " ارفع زاده " و " چنگیز پهلوان " ها می کنند ، قبل از هر کسی روشنفکران فارس را خواهد بلعید . با شیرینی گفتن تنها دهان شیرین نمی شود . " دمکرات " و " آزادیخواه " مدالی نیست که هر کسی بسته به میل خود بر سینه اش آویزان کند . بلکه در عمل است که باید دمکرات بود . کشور ایران تا موقعی که حقوق ملی ملل غیر فارس در آن به یکی از صور ممکن رعایت نشود رنگ آزادی و آرامش را نخواهد دید . " ارفع زاده " ها قبل از آنکه منادیان آزادی باشند ، حاملین و پرورندگان دیکتاتوری و دیکتاتورها هستند . چه بخواهند و چه نخواهند . امری پوشیده نیست که اقلیتی از روشنفکران و دولتمداران ترک با استفاده از زمینه تاریخی ، رؤیای ایجاد " امپراطوری توران " را در سر می پروراند . دولت ترکیه نیز بنا به مقتضیات برای فشار آوردن به این و آن رژیم از این دستجات استفاده می کند . همانگونه که در کشور خودمان کسانی با مطرح کردن " دنیای ایرانی " ، " ایران بزرگ " و ... در آرزوی احیا امپراطوری ای هستند که مرزهای آن در جنوب به اقیانوس هند ، در شمال به روسیه ، در شرق به هندوستان و در غرب به شام و حلب ختم میشود . و دولتمداران جمهوری اسلامی نیز بسته به شرایط ملی به لای آنها گذاشته و از آنها برای مقاصد توسعه طلبانه خود استفاده می کنند . ولی بر کسی هم نباید پوشیده باشد که این گونه افکار تراوشات مغز هائی معیوب و عقب مانده هستند و بس . و مگر نه زمانه ایجاد امپراطوری ها و گسترش مرزها به حساب دیگران نزدیک به یک قرن است که گذشته است . ابر قدرت های بزرگی چون روسیه و آمریکا از این کار عاجز هستند چه برسد به ایران و یا ترکیه . در ترکیه نیز مثل ایران صد ها هزار روشنفکر عاقل و واقع بینی وجود دارند که میدانند عقل سالم حکم می کند که قاچ زین را بچسبند و فکر سوار کاری را از سر بدر کنند . کشور ترکیه که چند هزار نفر پیش مرگه مسلح به سلاحهای سبک ارتشش نیم میلیونی اش را کلانف کرده است چگونه می تواند به ایران لشکر بکشد ؟ جناب " ارفع زاده " اینرا بهتر از هر کسی می داند .

اما حیف است که مسئله ای را نیز ناگفته گذارم . و آن اینکه روشنفکران آذربایجانی ، رزمندگان خودمختاری و آزادی ملت آذربایجان تکیه به دول خارجی برای کسب حقوق ملی را یکبار تجربه کرده و کفاره اش را با گوشت و خون هزاران نفر از فرزندان این آب و خاک دادند . آنها این تجربه را دیگر بار تکرار نخواهند کرد . منتها روشن فکران فارس نیز مطلبی را باید بدانند و آن اینکه آذربایجانیها و ایرانی هائی که به یکی از لهجه های زبان ترکی تکلم می کنند حق طبیعی خود می دانند

تبریزده نشر اولونان " جوانلاروز " ژورنالیندان ( نوه ۱ )

### تبریزین

نه قدر واردیر باشیندا بلاسی تبریزین  
بلا ایله قویولوبدی بناسی تبریزین  
گیلان زمین کیمی باران غم یاغیر گوئیده ن  
اوره کلری سیخییر بو هواسی تبریزین  
نه گلیب باشینا بیلمه ره م نه لر گله جک  
قورتولماییب هله گویا قضاسی تبریزین  
بلا گلنده قاباقجا بیزیم دیاره گلیر  
مگر بیر اوژگه خدادی خداسی تبریزین  
گهی اوروس گلیر تبریزه گاه عثمانلی  
غریبه ایشله بیر مهمانسراسی تبریزین  
بو سرزمین اولوب ایرانزمینه پرچمدار  
گره ک چکه بو دور یاران جزاسی تبریزین  
اثنیدیب جوانلارینی بیر به بیر فدای وطن  
قارا گئییب اثنینینه واردی عزاسی تبریزین  
نه کارخاناسی واردی نه کارفرماسی  
نه نوع ایله کئچینیر بینواسی تبریزین  
تمام وارلی لاری کوچ اثنیدیب دی تهرانه  
بشش اون نفر قالب ایندی گداسی تبریزین

.....

بو یئر غریبه دوشردی دئیبلر اولدن  
ولی اوژ اهلینه یوخی و فاسی تبریزین  
آیاق یالین باش آچیق کوچه لرده سرگردان  
یتیم اوشاق کیمی آغلار بالاسی تبریزین  
بو یئر منیم وطنمدی ولی اولافسوس  
خوشوما گلیمیری بو بیر اداسی تبریزین  
صفیرکن من " حداد " ی قویدی آواره  
عبث یشره اولدی آتام فداسی تبریزین  
" حداد "

کلاسیک ارتیمیزدن

۰۴۰۰۰۰ ع . حینی

## نشاء تبریزی

جهاندا طالب اکسیر اولان جاهل کیمی منده  
مشقت حاصل ایتدوم عاقبت تحصیل راحتدن  
نشاء تبریزی

۱۷- نجی عصرین ایکینجی یاریسی ، ۱۸ - نجی عصرین بیرینجی  
یاریسیندا یاشاییب یاراتمیش آذربایجان عالم و صنعتکارلاریندان بیری ده «عبدالرزاق نشاء  
تبریزی» دیر . او صائب مکتبی نین گورکملی دوامچیلاریندان دیر:

« بیروی کن نشاء صائب را در آیین سخن  
کز کمال بال و پر پرواز باشد تیر را » (۱)  
« نشاء » اؤز بدیعی یارادیجیلیغی ایله آذربایجان ادبیاتی خزینه سینه گؤزل اینجی  
لر بخش اتمیش و اونو دها دا زنگین لشدیرمیشدیر . مشهور « جهانشاه قاراقویونلو »  
نسلیندن اولان « نشاء » اؤز دؤرونون بیر چوخ علم لرینه بیسه نلمیش ، خصوصاً ریاضیات  
علمینده شهرت قازانمیش بیر عالم ایدی . « میرزا محمود قاجار » یازیر:

« بعد از نشو ونما در دارالسلطنه تبریز هجرت ودر اصفهان تحصیل کمال نموده  
و در جمله فنون با نصیب ، سیما در علم ریاضی . در سال هزار و صد و بیست و پنج  
در تبریز اختر عمرش رو بحضیضی نهاد و شراب زندگانش از افیون اجل بی نشاء گردید.  
در سیاق میرزا صائب تبریزی آشنا بوده . . . » (۲)

« ریاض الجنه » نین مولفی « نشاء » نین ۱۱۸۸ - نجی ایلده وفات ائتدیگینی  
قید اتمیشدیر (۳) و بوناریخ « محمدعلی حرزین » (۴) و « میرزا محمود قاجار » ین  
یازدیقلارینا رغما حقیقته دها اویغوندور . قید اتمک لازم دور کی « شمی الدین سامی  
(۵) » و « سلمان ممتاز » (۶) نشاء حقدده و ثردیکلری حقدده ملاحظه لوده « صبح گلشن  
(۷) » تذکره سینه اساسلاندیقلاری اوچون اورادا گئدن سهولری بیر دها تکرارلامیشلار .  
آغاز بزرگ تهرانی یازیر :

« . . . صبح گلشن مؤلفی سیدعلی حسین خان بهوپالی ، میرزا زین العابدین  
نشاط مشهدی ایله میرزا عبدالرزاق نشاء تبریزی نین ترجمه حالینی قاریشدیرمیش  
و ایکسیندن بیر ترجمه حال و ثرمیشدیروس » (۸)

همچنین « گلچین معانی » « تذکره های فارسی » اثرینده ، صبح گلشن تذکره  
سینین « سهولر و تاریخی یالنیشلارلا دولو » (۹) اولدوغونو سویله ییر .

« نشاء تبریزی » نین آدینی معاصرلریندن اولان « لطفعلی بیگ آذر » (۱۰) و عالم  
آرای نادری تاریخینن مؤلفی « محمد کاظم مروی » (۱۱) و آدی یوخاریدا چکیلن «  
محمدعلی حرزین » (۱۲) یالنیز « عبدالرزاق » قید اتمیشلر .

نشاء اثرلریندن بیر نمونه کیمی آنتولوگیا آلدیقیمیز « شه جم حشمت دارا درایت  
نادر دوران » (۱۳) قصیده سی نادرشاهین سفارشی ایله یازیلیمیشدیر . نادر حضرت علی  
نین مزار قبه سینی قیزیلا توتدوراندان ، نشاء دن تورکجه بیر ماده تاریخ یازماسینی طلب  
ایدیر و ماده تاریخ قیزیل سویو و شنکرف (۱۴) ایله یازیلیب حرمه نصب اولور .  
نادرشاهین بوکیمی تشمتلری ، تورک دیلی وقومیتی خصوصوندا اولان دقتی باره ده  
باشقا بیر نئجه فاکتی نظردن کنجیرمک یئرینه دوشر .

ترکمن اولوسونون افشار ائلیندن اولان نادرشاه ، صفوی دولتینده اولدوغی کیمی ،  
تورک دیلی نین قورونما و یایلماسینا و خصوصاً اونو دولت مقیاسیندا رسمی لشدیرمه  
سینه دوام ائتدیریر . استاد تورخان گنجه ای نین « کلات نادرینن تورکجه کتابه سی »  
(۱۵) آدلی قیمتلی مقاله سینه استاد آندرک ، نادرشاهین عثمانلی دولتی صدراعظمی  
حکیم زاده یه گوندردیکی ایکی مکتوبدا (بیری تورکجه دیگری فارسجا ) ترکمن لرله  
عثمانلیلارین بیر عرق و اصلدن اولدوغونو نظره چاتدیریر و ایکی اولنکه آراسیندا اولان  
اختلافی آرادان قالدیرماغا چالیشیر . سونرالار ۱۷۴۱-۱۱۵۴ - نجی ایلده عثمانلی  
سلطانی بیرینجی محمودا بیر مکتوب گوندیریر و اورادا خاطرلادیر کی هندوستان محاربه  
سینده امیراطور محمد شاهین تورک سلاله سیندن اولدوغو خاطره ، اوندان آلدیغی  
ناج و تختی ، ینی دن اونا قایتارمیشدیر .

اؤز ملتینه و آنادیلینه باغلی اولان ایرانین بو بویوک تورک حکمداری صلح

## « آذربایجان سسی » آدرسینه گوندریلن یثنی آذربایجان مجموعه لری

« تریبون » . بیرینجی نمره سی  
۱۹۹۷ نجی ایلین باهاریندا بوراخیلان بو  
مجموعه سوئده حاضرلانیر . « تریبون »  
آذربایجان و فارس دیلرینده و تریلیر . بونمره  
ده م . ع . فرزانه نین « مانی بنیادی  
وساختاری زبان آذربایجانی » آدلی مقاله سی ،  
تبریز شهرینده مجلس سئجکی لری زمانی یوز  
وئرن حادثه لردن گزارشلر (۱۳۷۵ نجی یل)  
وباشقا مقاله لر و خبرلر وار . « تریبون » ون  
آدرسی :

TRIBUN  
BOX 7168  
s - 17107 Solna  
SWEDEN

« قورتولوش » - اؤزونی آذربایجان  
قورتولوش جبهه سی آدلاندیران بیر دسته نین  
ارگانی کیمی نشر اولونان بو درگی نین ایکی  
نمره سی نشر ایدیلیمیشدیر . آذربایجان ،  
فارس وانگلیس دیلرینده یازیلان « قورتولوش »  
کانادا دا بوراخیلیر . بو روزنامه نین یوروتدوگی  
اساس خطین نه قدر دوزگون اولدوغو باره  
ده « آذربایجان سسی » نین گلن نمره سینده  
یازیلار و تریله جک .

« قورتولوش » ون آدرسی :  
40-1110 FINCH AVENUE  
WEST.SUITE 1070 NORTH  
YORK ONTARIO M3J 3M2

« دورنا » نین ۱۰۰ نجی نمره سی (مای  
۹۷) الیمیزه چاتمیشدیر . بونمره آذربایجان  
دیلینده و شمالی آذربایجان الفباسیه  
بوراخیلیمیشدیر . ( بو نمره ده بیر ناغلل دا  
بیزیم آذربایجان الفباسیندا ویریلیمیشدیر . )  
« دورنا » نین آدرسی :

BOX 2  
19421 Uppl.Vasby.Sweden

### مادی یاریم لار :

ر . ت . مونستر	۵۰ مارک
ر . خ . هانور	۴۰ مارک
م . ر . ختن	۳۰ دلار
هادی ق .	۱۵ مارک
م . غفاری	۲۵ مارک
ا . میتاگ	۱۸ مارک



## نشاء تبریزی (تالی)

اوغرئندا آیره لی سوردوگی مهم تشبیردن بیرری ده ، صفوبلر حاکمیتیندن اعتبارا رسمی صورتده یارانان شیعه وسنی لیک مسئله لرینه سون قویمدان عبارت آیدی و او بو خصوصدا چوخ تشبیر گوسترمیشدیر. (۱۶)

## حاشیه لر

۱- نشاء تبریزی ، عبدالرزاق : دیوان نشئه ، خطی ، تویقاپی سرایی کتابخاناسی ، نمره ۹۷۷ . H

سلیمانیه کتابخاناسینین مدیری محترم معمر اولکر جنابلارینا ، همچنین کتابخانانین علمی امکداشی منیه خانیم اوزنه ، تویقاپی سرابیندان همین ال یازما نسخه سیندن میکروفیلم الدهه ائدیپ منه گوندردیکری اوچون اوز درین منتداریغیمی بیلدیریرم .

۲- محمود میرزا قاجار: سفینه المحمود ، تصحیح وتحشیه دکتر عبدالرسول حیامپور ، جلد ۲ ، تبریز ، موسسه فرهنگ وتاریخ ، ۱۳۴۶ ، ص ۶۸۱ .

۳- محمد امین ریاحی یازیر :

\* ... طبق صحیح ترین روایت ( ریاض الجنه زنوزی ، روضه پنجم ، قسم دوم ) ( نشاء ) در ۱۱۸۸ درگذشته است . حزین در تذکره خود ( چاپ اصفهان : ص ۱۲۴ ) گوید : فقیر اورا درس صبا دیده ام ، مدتہاست که در اصفهان رحلت نمود . محمود میرزا هم در سفینه المحمود مرگ اورا ۱۱۲۵ در تبریز ذکر کرده است . اما وجود همین قصیده ( شه جم حشمت دارا درایت نادر دوران ... ) که در ۱۱۵۵ سروده و در بالای ایوان نجف با طلا وشنگرف نوشته شده دلیل اشتباه حزین ومحمود میرزا است ... در نسخه ای از دیوان اوکه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است ( دانش پژوه ، جلد ۱۲ فهرست ، ص ۲۹۳۵ ) ماده تاریخهایی از سالهای ۱۱۵۹ و ۱۱۶۱ هست ...

( محمد کاظم مروی : عالم آرای نادری ، تصحیح و حواشی محمد امین ریاحی ، جلد ۳ ، ؟ ، ؟ ، چاپ دوم ، ۱۳۶۹ ، ص ۹۲۶ حاشیه )

۴- حزین محمد علی: تذکره حزین ، اصفهان ، تایید ، چاپ دوم ، ۱۳۲۴ ، ص ۱۲۴

۵- سامی ، شمس الدین : قاموس الاعلام ، جلد ۶ ، استانبول ، تهران ، ۱۳۱۶ ، ص ۴۵۷۶

۶- ممتاز ، سلمان : آذربایجان ادبیاتی نین قاینقلاری ، ترتیباتچی راسیم تقی یف ، باکی یازیچی ، ۱۹۸۶ ، ص ، ص ۲۶۱ ۲۵۷ .

۷- سلیم بهرپالی ، سید علی حسنخان : صبح گلشن ، بهرپال ، ۱۲۹۵ هـ ، ص ۵۱۸ - ۵۱۷ .

۸- آغا بزرگ الطهرانی : الذریعه الی تصانیف الشیعه ، جلد ۹ ، ۴ - نجی حصه ، بیروت ، دارالاضواء ، چاپ ۳ - نجی ، ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳ ، ص . ص ۱۱۸۸ - ۱۱۸۷

۹- گلچین معانی ، احمد : تاریخ تذکره های فارسی ، جلد ۱ ، تهران ، دانشگاه تهران ، ۱۳۴۸ ، ص ص ۷۵۷ - ۷۵۶

۱۰- آذر بیگدلی ، لطفعلی بیگ : آتشکده ( تالیف ۱۱۷۴ - ۱۱۹۳ ) کلکته ۱۲۴۹ هـ ، ص ۵۴۴

۱۱- باخ ن ۳۰ - ۱۲- باخ ن ۴۰

۱۳- بو قصیده عالم آرای نادری ، جلد ۳ ، ص ۹۲۸ - ۹۲۶ - و نادرنامه ، ص ۴۷۳ - ۴۷۷ ده چاپ اولوب (عالم آرای نادری ، حاشیه محمد امین ریاحی ص ۹۲۶ )

باخ ن ۳۰

۱۴- شنگرف : عرب لشمیشی « شنجرف » و « زنجفره » دیر، Zinnober معدنی بیر ماده دیر - توزی قیرمیزی یا قهوه ایبه چالیر - کیچمیشده کاتبلر اونو اریدیپ وکتابین یرلوحه لرینی ، باشلیقلارینی ، آیه لری و ... یازاردیلار. رساملار وتذهیب

چیلر ایسه اوندان جدول چکمده ونسخه لرین بزه ک نقشلری اوچون استفاده ائدریلر.

باخ: مایل هروی : نقد وتصحیح متون، مشهد . بنیاد پژوهشهای اسلامی ، ۱۳۶۹ ، ص ۱۲۳

15 - Gandjei, Tourkhan: The Turkish inscription of "Kalat-i Nadiri", WZKM, 69(1977), pp.45-53

۱۶- باخ . کسروی ، احمد : نادر شاه ، تهران ۱۳۲۴

### «نشاء تبریزی» شعر لریندن نمونه لر غزل

دگل غم گر تنزل ایتمشم ظاهرده رفتدن  
یره دوشه هما گر اوجدن دوشمز سعادتدن  
اگر الفت گوره صیاددن صید ایلمز وحشت  
گوگل ایتمز جدالیق گر محبت گورسه محتندن  
قبلوب قطع نظر مقصوددن ترک نیاز ایتدوم  
غلط سوزدورکی عاجز دورطیبت ترک عادتدن  
کوکل مرآتینی قبل جلوه گاه شاهد معنی  
گوزم یوزگورمه یکدوزحسن معنی حسن سوزتدن  
جهانداطالب اکسیر اولان جاهل کیمی منده  
مشقت حاصل ایتدوم عاقبت تحصیل راحتدن  
بنمله وعده وصل ایلمه ، ایتسن وفا ایله  
نه حاجت لاله گون اولسون یوزک داغ خجالتدن  
عقیقک نشاء اولمز تشنه لب سیراب سوبندن  
یتشمز فیض هرگز کیمیبه آرباب دولتدن

## قصیده

(۱۳) بیتدن عبارت اولان بوقصیده نین نمونه اولراق ۴ بیتینی ونیریک . آ . س )

تاریخ مطلا ساختن روضه متبرکه  
جناب علی که حسب الامر بزبان  
ترکی گفته شد .

شه جم حشمت دارا درایت نادر دوران  
که تخت دولت جمشیده وارئدو جهان اوزره  
بدخشان لعل وعمان اینجوسین ویرمیش خراجنده  
گونش تک حکمی نافذ متصل دریا وکان اوزره  
بلند اقبال اولان اعدالترین هم سربلند ایلر  
مکرر ایلمش دشمنلرک باشین سنان اوزره  
ملاکک اولدولار همدست استادان چابکدست  
طلادن آسمان ایجاد اولندی آسمان اوزره  
کوکل پرواز ایدوب سرلوق زربین خیال ایلر  
که آچمیش بال طاووسن بهشتی آشیان اوزره  
تمنای سلاطین دیر یوزین سورمک بو درگاهه  
زهی رفعت که استر صدر دوشسون آستان اوزره-  
جوابیم « نشاء » اولدی مصرع تاریخ- اتمامه  
ادب بیل مهر ساکن دور طافی انس وجان اوزره

## آدام

ایگیتلیگینی نجور قارشیلایا جاغیما فیکیرلشیردیم. آنجاق دویغولاریمی آچیغا وئرمکدن چکینمیردیم، ایچیمده بیررسی، "اوغول "آدام" اوزگه نین یانیندا آوجونو آچماز" دئییردی. چوخ قورو، دویغوسوز جاسینا، "یاشایسان جبرئیل قارداش، بیلیمیرم، دندیگین ایش هر گون "کلن" دن "بن" آ گندیپ دونمگه دگر می؟" دئیینجه باخدیم کی بیزیم یولداشین سس تونو دئییدئ، "یاخجی، ائله ایسه من اوشاقلاردان بیر آیرئ... قابیقرقالاریمین آلتیندان بوتون ساغ یانیمی بویدان بويا دئشه دئشه اوجالان بیر سس، "گئده سننه دئمه میشم، "آدام" پخمه اولماز، حاضر ایشی نیه الدن وئیرسن، یوخسا سنین آلتیندا یازیبیلار هذالپخمه؟" دیه باشیما چیغیردئ. جبرئیلین سوزونو یاریدا کسدیم، "یوخ، ایسته بیرسن هله ایش ییه سنین تلفن نمره سینی منه وئر، بیر دانیشیم گوروم نه دئیر." جبرئیل یاری کونوللو "ایله ایسه سنین تلفن نمره نئ ایش یئیه سینه وئیرم، ایسترسه سنه تلفن اندر." دئدی. ایچیمده کئ دوداغینی بوزدو، "گوردون، آخماق، قوش قفس ده ایکن اوچورتدون، ایندی دوش دالیسیجا، قاچ کی توتاجاقسان" آرتیق دئییه جگ بیر سوزوم قالمادی. "چوخ ساغ اول، هله لیگ" دئدیم. اثرته سئ گون، گون اورتایا یاخین تلفن چالدى. گوتوردوگومده یاد بیر سس ائشیتدیم، تانیمادیغیم بیر سس، لهجه سیز بیر آلمانجا ایله، "عبدا لله بیگ ایله دانیشماق ایستیردیم" دئدی. "بویورون، من اوزوم" دئدیم. تلفن نمره می جبرئیل دن آلدیغینی و منیم ایله ایش قونوسوندا دانیشماق ایستدیگینی سولدی. چوخ ادبلی، جانا یاخین بیر سس تونو وار ایدی. "زامانینیز وارسا، گلین گوروشک، دانیشاق" دئدی. گون اورتادان سونرا ساعت اوچده قارارلاشدیق، آدرسینی یازیب، هله لیک دئییب دانیشمامیزی کسدیم. هه، ایندی من نه جوره گئینیم که بو آدامین مندن خوشو گلین، هرگاه پولیور ایله لی شالوار گئیسیم، یوخ، اوندا آدام مندن قورخار، بئله بیلر کی، بوخومون کومور ایشچیلریندن، هرگاه لی شالوار ایله اوتولو کونک گئیسیم، آها، اوندادا آدام مندن هولکر، بئله بیلر کی دوییزبورگ گمیچیسیم. ائله ایسه اوتولو شالوار ایله اوتولو کونک گئیسیم. اوندا آدامین مندن خوشو گلر، بئله بیلر کی کولنون بویوک کارمندلریندن. پالتار دولاییمی آچدیم، چوخدان اونوتدوغوم اوچون اوییرئ پالتارلاریمین آلتیندا قالیب بوزوشوش شالوارئ تاپدیم. ←

اوغول "آدام" ادبلی اولار، اوغول "آدام" آز دانیشار، اوغول "آدام" اوزگه نین ناموسونا باخماز، اوغول "آدام" اوزوندن بویوگونون سوزونو دینلر، اوغول "آدام" اوزگه نین مالینا گوز تیکمز، اوغول "آدام" یونگول اولماز، اوغول "آدام" اوزگنین یانیندا وقارینئ ساخلار، اوغول "آدام" ا لله این دندیگیندن چیخماز، اوغول "آدام" هر نه دئسه لر دئیر باش اوسته، اوغول "آدام" آچماق کونوللو اولار، اوغول "آدام" اوزگه نئ اینجیتمز، اغول "آدام" ...

ایگیرمی ایل بویونجا گونده اللى سفر ائشیتدیگیم بو سوزلرین نه دئمک اولدوغونو هله ایندی باشا دوشورم. قدیم کیشیلر دئیردیلر شیخ سعدئ علیه الرحمه نین یازدیقلارینئ یئددیده اوخویان یتیمشده باشا دوشر. دوغرو ایمیش. بو سوزلر ده شیخ سعدئ علیه الرحمه نین یازدیقلارئ کیمی چتین سوزلر دیرلر.

گئچن ایلین سون آلتئ آییندا ایشسیز ایدیم، ائوده اوتوروب باش بارماقلاریمی فیرلادیردیم. باغیریم چاتلاییردئ. ساغ اولسون چوخدان برئ تانییدیغیم بیر دوست، جبرئیل قارداش، دسامبرین ایگیرمی ایکی سینده آخشام تلفون اندیپ منئ چوخ سونیدیردئ، "بن" دان منه بیر ایش تکلیف اندیلدی، آنجاق من گئده بیلیمیرم، ایسته بیرسن سنین تلفون نمره نئ ایش یئیه سینه وئیرم، سنه تلفن ائتسین، بیرده باخارسان کئ منیم یئیره سن گندرسن." دئدی. سونینجیمنده هوشنه لندیم، اوره گیم چیرینماغا باشلادئ، تلفون آلیجیسینین الیمده تیردیگینی آپ - آیدین دویوردوم. دانیشاجاق اولارسام جبرئیل سسیمین تیره ییشیندن هوشنه لندیگیمی بیله جک دئییه هیچ بیر شئی دئمدم. اوز ایچیمده اوزومه اوگود وئرمگه، "گده ساکن اول، نه خبردیر، جناب جبرئیل بهشتین قاپیلارینئ اوزونه آچمایدیر ها، اوزگه نین یانیندا وقارونو ساخلا" دئییه هابئله اوزومه تپه له مگه چالیشدیمسدا، هوشنه می ساکینلشدیرمگی باجاردیم. ساغ اولسون، جبرئیل قارداش دا، منیم، "نه جور بیر ایشدیر، نه قدر وئر جک...؟" کیمی سورولارما گرک بیراخمادان، "سنین ده اوز ایشینه یاخین بیر ایشدیر، بیر "امک وئرگیسی پشین اعاده" قورولوشودور دئدی. ستونجیمن آرتیق یئرمده دورایلمیردیم. جبرئیل قارداشین بو

چوخدا تمیز دگیلدی، آنجاق اوتولنسه ایدی آدم اوزلو بیر شالوارا بنزردی. اوتوده قالیب پاسلانمیش ایدی. پاسینی گوزلجه سیلیدیم، شالواری اوتولدیدم. بیر ده اونون اوستونه اوتولو بیر کوینک گئییب، یوسف ین گنچن ایله هدیه ائتدیگی کراواتی دا تاخیم دئییه دوشوندوم. آنجاق نه علاج ائتدیمسه کراواتین دوگونله مه سینی باجارمادیم. نه یاخجی کی او آرادا قاپینین زنگی وورولدو، بیزیم قونشو، "داریخمشدیم، دندیم سینین ایله اوتورپ بیر چائی ایچک، بیر ایکئی کلمه دانیشاق." دندی. "چوخ یاخجی ایش گوردون رسول قارداش، بویور گل، یوخسا من سیزه گلک ایسته ییردیم، بو کراواتی دوگونله یه بیلرسن؟" دیه جواب وئردیم. رسول منی او پالتاردا گورونجه شاشیردئ، بوغازینین دیببندن گولرک، "خیر اوله عبد لله، اولمایا آداخلی بازلیفغا گئدیرسن؟" دیه سوروشدو. "یوخ، دندیم،" رسول قارداش چوخ اونملی بیر گوروشم وار، چوخ دا تله سیرم، ساعات اوچ ده "بن" دا اولمام گرکیر." رسول کراواتی دوگونلدئ، بوینوما تاخدئ. آباقدان باشا بوتون بویومو گوزدن گنچیره رک، "هه، ایندئ "آدام" آ بنزدین" دندی. بیت بازاریندان آلدیغیم "کارمندی" چانتامین توزونو یاش دستمال ایله سیلیدیم. گنچن آلتئ آی ایچینده ایش تابماق اوچون هر ایته، قوردا گوندردیگیم، آنجاق هامیسی، "بیزه گوندیگینیز ایچین سونسوز تشکرلریمیز ایله بیرلیکده، نه یازیق کی سیزدن اونجه کئ ماراقلیلاردان بیریسینی ایشه آلدیغیمیزی قوللوغونوزا یتیرمک ایسترکن مسلک یاشامینیزدا بویوک اوغورلار دیله بیریک" کیمی جوابلار ایله گئی گن تحصیل و ایش مدرکلریمدن بیر دسته چانتایا قویوب، پالتومو گئییب یولا دوشدوم. "تئی کولنر اشتراسه" دن "تلاویو" اشتراسه یه دونرکن کوشه ده کئی کامپیوتر دوکانینین تازا سیلینمیش تمیز جاملاریندا اوز عکسیمه بیر دها باخدیم. به به، اوتولو شالوار، آغ کوینک، بیر ده کراوات، هله الیمده کی کارمندی چانتا ایله، دوغرودان دا "آدام" آ بنزه ییردیم. اوزومه قارشئ بویوک بیر سایقی دویمایا باشلادیم. باشماغیمین یانینداکی ییرتیغی دا گورمه میزلیکدن گله بیلسه ایدیم اوزومه "جناب آقای عبدا لله بیگ" دنمگی حق اتمیشدیم.

ساعت اوچه اون دقیقه قالا "بن" داکی "امک وئرگیسی پشین اعاده قورولوشو" نو، چوخ آختاردیقدان سونرا، تاپدیدم. قاپیسینین قاباغیندا خیابانین قیراغینا قویولموش تابلونسون

اوستونده قیرمیزس یازی ایله آدینی اوخویوب ایچری باخمادان قاباغیندان گنچیب، اویری خیاباندا گینه بیر بویوک جاملی پنجره نین قاباغیندا دایانیب جامدکی عکسیمه باخدیم. کوینگیمین یاخاسینی و کراواتیمین دوگونونو بیر دها دوزلتدیم، گئی دوندوب ایلرده ن بری بو شهری تانیر کیمی بویوک بیر گورونجه ایله توکانین قاپیسیندان ایچری گیردیم. یئری ماوی موکت ایله دوشه لی اوزون بیر توکان، اورتادا بویا بوی قیراخلاری آغ، اوستو توپراق رنگینده، بیر متره یاخین اوجالیقدا کی دزگاهین دالیندا اوتوروب تلفوندا دانیشان آدم سوزونو کسمه مک اوچون منه الی ایله پنجره نین قیراغیندا دوزولموش صندلرین بیرینین اوستونده اوتورماما اشاره ائتدی. اوتوردوم. چانتامی دیزیمین یانیا قویلدوم. قوللاریمی قوجاقلاییب، آدامین دانیشماسینین سونونو گوزلیدیم. "نه یاخجی آدامدیر، نه قدر متین و آغیر دانیشیر، یاشی، باشی دا آلتیمیشی گوسنه ریر، ساچینین قاباغینین توکولدوگو، آلتینین درین قیریشلاری، تلفون دا دانیشارکن هر کلمه نی دوشونوب، اولچوب، پیچمه دن آغزیندان چیخارمادیغی و گوزلوگونون دالیندان دوشونجه لی باخان گوزلری چوخ تجربه لی و چوخ دوغرو بیر آدم اولدوغونو آپ - آچیق اورتایا قویور. بلکه ده بو آدمی عمروم بویونجا بیر یاشام معلمی اولراق عاغلیمدا تواتاجام. بو ایشین بوجور یاخشی بیر آدم ایله تانیشماما ندن اولان بیر تانری قورقوسو اولمادیغینی کیم بیلیر؟" دیه فیکریمدن کنچرکن آدم دانیشماسینی سونا اردیریب، آیاغا قالخدی. دزگاهین قاباغینا یاخینلاشارکن، "بویرون" دندی. آنجاق بیر بویورون دنمه سینده سانکی بیر دنیا وقار، بیر دنیا گونج، بیر دنیا آغیرلیق و انسان سوگیسی ایله قارشیلادیم. یئریمدن آیاغا قالخیب دزگاه یاخینلاشدیم. آدمی سویله ینجه، آدم دزگاهین دالیسینا گندن یولو گوسته ره رک، "بویورون گلین ایجری. منیم آدم Großzügig (الی آچیق) دیر" دندی. دزگاهین دالیسنا گنچیب آدامین گوستردیگی صندلین اوستونه اوتوردوم، چای، قهوه اکرامینی "یوخ چوخ ساغ اولون، من ائودن تازا چیخیشام" دیه رد ایتدیکتن سونرا اصلی قونویا گلدیک. آدم منیم تحصیلات درجه می، او زمانسا قدر نه ایش گوردوگومو، نیه اوز مسلگیمده ایش تاپایلمدیگیمی و گلجگیم اوچون نه جور دوشوندوگومو سوروشدوقدان سونرا، اوزندن سوز اتمگه

## دنیا آذربایجانلیلاری قورولتایی حاقدا

"آذربایجان سی" چاپسا حاضیرلاندیغی سون ساعات لاردا آلدیغیمیز خبره گۆره ژوئن آیینین سون گونلرینده آمریکانین لوس آنجلس شهرینده "دنیا آذربایجانلیلاری قورولتایی" آدلی بیر بیغینجاق کنسپیریلیمیش دی. قورولتاییین هانکی حاضیرلیقلا، کیم لر طرفیندن و نه هدف لر اوچون تشکیل تاپماغیندان بیزیم رسمی و اطرافلی خبریمیز یوخدور. بو سبب دن اونون حاقیندا اساسلی بیر سؤز سویله یه بیللمه ریک. آنجاق بیغینجاقین قطع نامه سینین اساس توتساق، بوکنگره، ایران اراضی بوتونلوگونو قوروماق، فرهنگی پلورالیسم دن مدافعه اشمک و آذربایجان دیل و ادبیاتینی قویوروب - انکشاف ائتدیرمه گی اؤزونه مقصد قویموشدور.

"آذربایجان سسی" نین نوبتی ساییسیندا بو حاقدا و قورولتاییین قطع نامه سی حاقدا اوخوجولاریمیزا معلومات وئره جه بیک. قورولتاییین قطع نامه سیندن نمونه اولاراق بیر نئچه بندین بورادا گتیرمک ایسته بیریک:

.... ما ترکی زبانان ایران مقیم خارج ... در جهت اهداف زیر متشکل می شویم:

- ترویج فرهنگ و بخصوص زبان مادری به عنوان حفظ جزئی از فرهنگ بشری که مهمترین بخش هویت مردم ترکی زبان ایران مقیم خارج از کشور را تشکیل می دهد.

- آشنا ساختن ترک زبانان ایران در هر کشور با فرهنگ و تاریخ خود و آموزش نوشتاری به نوباوگان.

- همکاری ... با همه اقوام ایرانی بخصوص فرهنگ های محروم، اقلیت ها و گروههای پیشرو در ایران، جهت پیشبرد پلورالیسم و دمکراسی فرهنگی در کشور.

- دفاع از تمامیت ارضی و دمکراسی فرهنگی در ایران ...

باشلادی، "بیز بیر بانک گوره وینی (وظیفه سینین) یریدیریک. ایل سونو وئرگی آچیقلاماسی گوسته رنلردن بیر پاراسینین وئرگی اداره سیندن آلاقلی اولابیلدیکرینی بیلیرسینیز. وئرگی اداره سین بو آداملارین آلاغینی وئرمنی آلتی ایله سکگیز هفته آراسی چکر. بیز چوخ کیچیک بیر فائیز ایله بو پولو صاحبترینه وئریریک و وئرگی اداره سینین اونلارا بورجونو اوز اوستوموزه آلیریک. سیزین گورجگینیز ایش ده چوخ چتین دگیل. مشتریین کیملیک وئرلیرینی کامپیوتره وئرکسینیز، و کامپیوتردن چیخان کاغازی مشترییه امضالاتدیراجاقسینیز." ایشین بو قدر راحت اولدوغونو دوشونمه میشدیم. "بتله ایسه ساعاتینا سکگیز مارکدان آرتیق وئرمن. گونده سکگیز ساعات چالیشاجاق اولسام آلتیمیش ایکی مارک ائدر. ایکی ساعات یاریم دا یولدا اولاجام. بیلیم، دگر می" دیه آغلیمدان گنچرتدیم. "الی آچیق بیگ منیم بینمدن گنچنلری اوخورجاسینا،" مزد قونوسونا گلیرسک، ایلک آیدا اون دورد مارکدان باشلایاجیق. ایشی باجاریسانیز ایکینجی آیدان ساعات اجرتینیز اون سکگیز مارکا چیخاجاق. دوغروسونو ایستیرسه نیز، منیم ایکینجی بیر دفتریم وار، آنجاق اوزوم ایکی دفتر یه بیر آزادا دولاندیرایلیم. بیربیریمیزی یاخشی تانیدایقدان سونرا، سوروملوق (مسئولیت) گوتوره جک اولورسانیز سیزی اویری دفتره گونده ره جگم. او زامان آرتیق ساعات حسابی اجرت آلمایاجاقسینیز. نه قدر قازانایله جگینیز اوزونوزه قالاچاق" ندی. دوامی دار

درویش اوغلو

آکماس ایلدیرم:

### نچون شاعر دوغولدوم

من آرتیق نه یازیم یوردوما دایر  
دشمن زهر ساچیر، دوستلار گیزله نسیر  
بیلیم کی یوردونو سئون بیر شاعر  
نه ایچین بیر جانی کیمی ایزله نیر  
\*\*\*\*\*

گیزلی یول کسمه دیم، قاچاق اولمادیم  
ساکت بیر حیاتی یوزمادیم من کی  
یورد ایچون قانلی بیر چیچک اولمادیم  
هیچ بیر قتله فرمان یازمادیم من کی ...  
\*\*\*\*\*

من نیچون غریبم بو دوغما ائلده؟!  
محبس دیر دورت یانیم من کی بوغولدوم!!  
ملعون بیر زاماندا محکوم بیر ائلده،  
آلاهیم من نیچون شاعیر دوغولدوم!؟



## بیر نچه سؤز...



بوگون آذربایجان دیلینده چوخلی روزنامه، ژورنال، نشریه و.... بوراخیلیر. اونلارین هره سینده، «اؤزونه مخصوص» قاعده، اسلوب، یازی طرز، لغت فورماسی، لغت ترکیبی و.... اراشه وئرلیر. بو «اؤزونه مخصوص» سؤز، بو نشریه لرده بویوک بیر رول اویناماقدادیر. حتا، او قدرکی بعضاً «اؤزونه مخصوصلوق»، باشقا باشقا نشریه لرده اؤزو بیر قانونا چئوریلره ره ک چوخلی یازیلاری و شعرلری «اؤزونه مخصوص» بیر وضعیتیه سالیبدیر.

بوگون گره کدیر بو «اؤزونه مخصوصلوق» سون قویولوب و اونون یئرینه، اسلوب بیرلیگی، یازی طرز، بیرلیگی، لغت بیرلیگی و....، باشقا سؤزله دئسه ک دیل بیرلیگی تثبیت اولونسون.

آذربایجانین یازیلی دیلی «گؤلک» کیمی بیردن — بیره بوگون یشردن چشخمائیب، بو دیلین چوخ قدیم وزنگین تاریخی واردیر. اگر بو وزنگین تاریخی منیمسه مکی و یاخود یازیلاریمئزدا دیل بیرلیگینین تثبیتینی هدف توتساق، یالنیز دیلیمیزین تاریخیندن فایدالانماقلا، اونو معاصرلشدیرمکله، بئله بیر هدفه چاتابیله ریک.

بیز «آذربایجان سسی» نین گلن نمره لرینده بو باره ده یازیلار و مقاله لرین نشرینه سؤز وئریریک و بوتون یازیچی، ادیب و صاحب نظرلریمیزین بو بحث لرده فعال اشتراکینی طلب ائدیریک.

«آذربایجان سسی» نین بو نمره سینده، آذربایجان ملی حکومتینین صدری

«میرجعفرپیشه ری» نین بیر یازیسینی تقدیم ائدیریک :

### روزنامه میزین دیلی\*

روزنامه میز آذربایجان دیلینه آرتیق اهمیت ویره جکدیر. دیلیمیز دشمنلرین بوش ادعالارینا باخمایاراق چوخ گنیش و غنی بیر دیلدیر. اونون ریشه سی خلقیمیزین قانیندا و اوره گینده دیر.

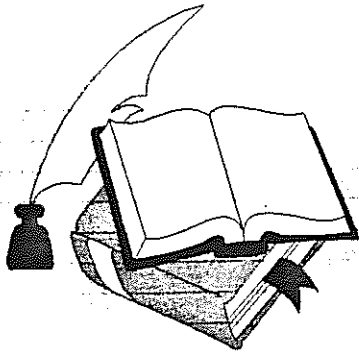
بیز اونو آنا سودی ایله امیب وطنیمیزین روحنواز هواسی ایله تنفس ایتیمیشیک، اونو توهین ایدنلر،

اونو تحمیلی و مصنوعی گؤسترک ایتینلر بیزیم حقیقی دشمنلریمیزدیر.

چوخ خائن و اجنبی عنصرلر قرن لرایله بو گوزل دیلی اورتادان قالدیرماغا چالیشمیشلار. اونون ترقی سینده و یاشاماسینا مانع اولماق مقصدیله مخصوصا ان غدار آزادلیق دشمنی اولان رضا خان دولتی وارقه سیندی صرف ایتیمیشدیر. بونونلابئله او سارسيلماز و محکم بیر حالدا خلقین ایچرئسینده باقی قالیب نوزمقامینی ساخلامیش بو واسطه ایله مدنی و مترقی بیر دیل اولدوغی اثباته یتیمیشدیر.

آذربایجان دیلی دیمی بیر دیل دگیلدیر. اونون بویوک خلق، گنیش جماعت قوه سی کیمی آرخاصی واردیر. دیلیمیز خلقین یاراتدیغی داستانلار، ضرب المثللر، حکایه و نقللر دنیانین ان بویوک دیللی ایله رقابت ائده بیلر، شاعرلریمیز، ادیب لریمیز بو دیل واسطه سی ایله نوز احساساتلارینی و نوز هنر و صنعتلرینی وجوده گتیریب خلقین نظرینی جلب ائده بیلرلر.

بیزیم وظیفه میز اونو گنیشلندیرمک، اونو معاصر حالا سالماق، اونون گؤزه للیک لرینی، اینجه لیک لرینی حس و آنتینی توزه توریاق آراسیندان چیخاریب تمیز و عالی بیر ظرف ایچه ریسینده خلقه تقدیم ائتمکدن عبارتدیر.



## مکتوبلارا جواب

حورمتلی سلیمان اوغلی !

مکتوبونوزو آلدیق . یاخین گله جک ده سیزین فیکیر و مصلحت لرینیزدن فایدالاناجاغیق . بیزی یازیلارینیزلا ستویندیره بیلر سینیز . ساغ اولون .

عزیز اوخوجوموز عباس اف !

مکتوبونوزا و بیزه قارشی بسله دییینیز محبتینیزه گؤره سیزه منتداریق . البته سیزین له گؤروشوموزده چوخ خوش اولاجاقدیر . سیز بیزه لاتین الفباسیلا قیسا یازیلار گؤنده ره بیلر سینیز . یازیلارینیزین دیسکتی بیزیم اوچون چوخ فایدالی اول بیلر .

کانادا " آذربایجان پست " درگی سینین حورمتلی رداکسیا هیتی !

ستویملی وطنداشلار ! بیزه گؤنده ر دییینیز درگی نیزه گؤره چوخ تشکر ائدیریک . بیزده سیزه اؤز غزه تیمیزی گؤنده ره جه بیک . " اوستاد فرزانه نی " بیز عده آذربایجان یازچیسی و اینجه صنعت خادم لری دعوت ائتمیش دیلر . بیزیم ده رگیله بیرلیکده گؤنده ریلن اعلان ، " آذربایجان سسی " ایله بیر علاقه سی یوخیدی . یالنیز غزه ته ده درج ائتمه گه یئر اولمادیغی اوچون او ده ر گی نین ایچه ریسینده گؤنده ریلیمیشدیر . هر حالدا اونون سفری و چیخیش لاریندا بیزیم ده رگی نین بلاواسطه رولو اولمامیشدیر . سیزه اوغور لار دیله بیریک .

حورمتلی اسماعیل میتاگ ! بیزده سیزه تازا ایلی تبریک ائدیریک . ساغ اولون !

حورمتلی امکناشیمیز م. مشکینی !

" انسانین قدرتی " آدلی شعرینیزی آلدیق . بیز اینانیریق کی سیز چوخ اوخوماقلا و چاغداش شعر اوزه رینده یورولماز آختاریشلار آپارمانیزلا گؤزل شعر لر یازا بیلر جک سینیز .

←

آذربایجان دیلی او قدر قوتلی و اونون صرف و نحو قایدالاری او قدر طبیعی دیر کی، حتا اونون ایچینه وارد ائدیلمیش فارس و عرب کلمه لری اخراج ائدیلسه بئله اونونلا بؤیوک فکرلری، عالی مقصدلری یازیب، شرح و ترمک ممکندیر. لکن بیز خلقین استعدادینی نظرده توتوب بو ایشی ناگهانی بیر صورتده گورمگه احتیاج حس ائتمیریک.

عقیده میزه گوره یازی گره ک خلقین دانیشدیغی و آنلادیغی بیر شیوه ده ادامه تاپسین. مقصدیمیز ادبی مسابقه دگیل، خلقی باشا سالماق، اونا حقیقتی آشکار بیر صورتده گؤستریمکدیر. او جهتدن بیز خلق طرفیندن قبول ائدیلب استعمال اولونان عرب و فارس کلمه لرین موقتی اولسا بئله ساخلاماق لزومونی انکار ائتمیریک. لکن، اونلاری نئوز دیلیمیزین قایدالارینا تطبیق ائدیپ آهنگینه اویغون بیر حالا گتیرمه لییک.

دنپادا بیر دیل تاپیلماز کی او تامیله مستقل اولسون و قونشو دیلترین تاثیرینه دوشمه سین. بیزیم آذربایجان دیلی ده آذربایجانین تاریخی و جغرافی موقعینه گوره اجنبی دیلترین تاثیریندن کناردا قالمامیشدیر. ایستر - ایسته مز بیر چوخ بیگانه کلمه لر خلقیمیزین آغزینا دوشموش، مرور زمان ایله ملی - لشمیشدیر. بیز دیلین تکاملینی نظرده توتوب او کلمه لردن استفاده ائتمگی لازم بیلیریک. لکن بوندان سوء استفاده ائدیپ دیل و یازینی غلیظ لشدیرمک، وحشی و معناسی آنلاشیلماز کلمه لری حسابا قاتاغا جدا" مخالفت ائتمه لییک. آذربایجان یازچی لاری قبول ائدیکلری بیر چتین و آغیر وظیفه نی ایمان و عقیده ایله ایفا ائتمکله دیلیمیزین گؤزه للیگینی و اونون ترقی و تکاملینی تأمین ائده جکلرینه بیزیم

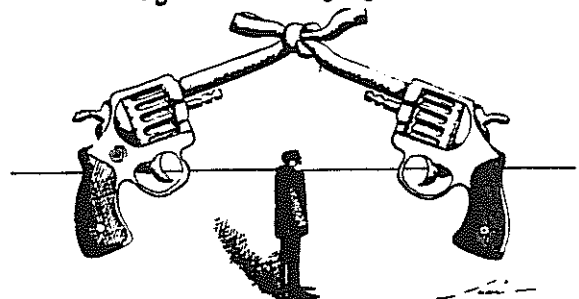
جدی ایمانیمیز واردیر. ( ۱ )

\* مقصد، ۱۳۲۴ - نجی ایله نشر اولونان آذربایجان دمکرات فرقه سینین مرکزی اورقانی اولان « آذربایجان » روزنامه سی دیر.

[۱] - « آذربایجان » روزنامه سی، ۱۴ شهریور ۱۳۲۴ ه. ش. نمره ۲ -

۴ ج. بیشه رری - سنجلمیش اثرلری - ص ۲۱۵ - ۲۱۴

« آذربایجان » روزنامه سینین نشری ۱۳۴۴ ه. ش.





بیز سیزین باشقا اثرلرینیزی گؤزله بیریک .  
دانمارکدا " آذربایجان رادیوسو " نو دولاندیران وطنداشلاریمیز !  
سیزین مکتوبلارینیزی اوخوموشوق . سیزین فعالیت یئسیز  
اوپون چوخ شادیق . چوخ ساغ اولون کی ، اؤز وطنیمزده  
دوغرانان دیلیمیزی سیز دونیانین غریب بیر اولکه سینده  
سسلندیریرسینیز . بیز سیزین کیمی یوردسئور  
وطنداشلاریمیزلا اؤیونور و سیزه الیمیزده ن گلن یاردیمی  
اسیرگه مه یه جه بیک .

عزیز شاعریمیز قاراچای !

مکتوبونوزا گؤره چوخ تشکر اندیریک . سیز " منیم طالیم  
ادبیاتدیر " یازیرسینیز . بئله ده اولمالی دیر . طالعی صنعت  
اولمایان صنعتچی اصل صنعت اثری ده یارادایلمز . تصادفی  
گؤزل و ده یه رلی بیر شعر ، موسیقی و یا بیر رسیم  
یارانماسینا اینانمیریک ده یرلی بیر اثر مطلق یورولماز بیر امه  
یین ، اوزون بیر آختاریشین نتیجه سی دیر . سیزده بئله بیر  
استعدادین اولماغینا اینانمیریک . بیزیمله علاقه ده اولون .  
یازیلارینیزی بیزه گؤنده رین . بو ساییمیزدا اوزونوزده ن بیر  
ننچه شعر اوخویا بیله رسینیز .

آرزو ائتدینیز آدرس و تلفن نمره سینی سیزه گؤنده ردیک .  
برلین . " ترکمن کولتور اوجاغی " !

سئوملی دوستلار ! سیزین مهربان بایرام تبریک لرینیزی بیزی  
چوخ سئویندیردی . بیزیم ده اوره کدن تبریک لریمیزی قبول  
اندین .

بیز آرزو اندیریک کی بیر زامان آذربایجان و ترکمن خالقیینین  
دا آزادلیق باهاری گل سین و ماهنی لاریمیز و انلریمیز بیر-  
بیرینه قوشسون .

### بیلدیریش لر

سئوملی او خوجولاریمیز !

سیزه بیلدیرمک ایسته بیریک کی ، غزه تیمیزی یاخشی  
لاشدرماق ، هر باخیمدان معاصر ، دولغون بیر غزه ته سویه  
سینه چاتدیرماق آرزوسوندا بیق . بو آرزو تک بیزیم دتسییل ،  
دیلمیزی و ملی وارلیغیمیزی سئوه ن و قوروماق ایسته ین  
بوتون وطنداشلاریمیزین آرزوسودور . بو یولدا بیزی خصوصیله  
مادی یاردیم لارینیزلا حمایت ائتمه یینیز باشلیجا رول اوینایا  
بیلر .

دانمارکادا وطنداشلاریمیزین بیر ننچه سنین امگی ایله  
آذربایجان رادیو وئرلیش لری یاییلماقدادیر . وطنداشلاریمیز  
هر هفته ایکی ساعات آذربایجان دیلینده آذربایجان مدنیته ،  
موسیقی سی اوزره و هابئله باشقا ساحه لرده وئرلیش لر  
یاییلار .  
آدرس:

Hoeverdbibli Otet  
Mollegade 1  
8000 AARHUS  
Danmark  
Tel.:87-304642  
Telefax : 87304539

### آذربایجان قاقچین لارینا یاردیم جمعیتی

روس لارین تحریکی و بیر باشا یاردیمی ایله ارمنستان طرفیندن  
آذربایجان تورپاق لارینین اشغال اندیلمه سی نتیجه سینده قاقچین  
دوشن وطنداشلاریمیز هر بیر وطنداش دان یاردیم گؤزله بیرلر .  
یاردیم آدرسی و بانک نمره سی :

Adresse:  
Hilfe für die aserbajdschanischen Kriegsflüchtlinge e.v. Hak  
Postfach 223255012 Mainz  
Tel.: 06131/571208-387545-373267  
Fax 06131/38754  
Bankverbindung:  
Konto Nr.: 0151845- BLZ: 55070040 -Deutsche Bank Mainz

# Aserbajdschan Sasi

unabhängige politische und kulturelle Zeitung

Mai - Juni 1997

Nr. 10 - 3 DM ( 2 \$ )

ASERBAIDSCHANISCHER KULTURVEREIN e. V.

A Z E R B A Y C A N K Ü L T Ü R O C A Ğ I

آچیقلاما

## Ausstellung **ملا نصرالدین**

**Molla Nasraddin**

Die älteste satirische Zeitschrift Aserbajdschans, die am Anfang dieses Jahrhundert gegen Fanatismus und Rückständigkeit gekämpft hat.

**Moja Haepaggu**

26-27. Juli 1997  
von 16.00 bis 21.00 Uhr

Literaturhaus Berlin  
Fasanenstrasse 23  
10719 Berlin

آذربایجانین ان قدیم ساتیریک ژورنالی  
"ملا نصرالدین" مجموعه سینین سرگی سی



قزه تیمیزده بوتون  
یورده داشلاریمیز  
یازی حاقینا  
مالیک دیلر. آنجاق  
یازیلارین  
مستولیتینی  
یازیلار  
داشتیتر.  
گونده ریلن یازیلار  
ایکی صحیفه (A4)  
دن آرتیق  
اولماالیدیلا.  
یازیلارین  
مضمونونا  
توخونماق شرطی  
ایله اونلار رنداکنه  
اولوناچاقلار.  
گونده ریلن مطلب  
لر گتیری  
قایتاریلما یاچاق و  
بیرینجی نۆسه ده  
باشقا یشرلر ده نشر  
اولونمایش یازیلار  
چاپ اوناچاقلار.

Aserbajdschanischer Kulturverein e.V. • Postfach 110542, 10897 Berlin

حورمتلی اوخوجولار : " آذربایجان سسی " نین بانک حسابی نمره سی دئیشیلیمیشدیر . یشنی حساب نمره سی :

A. S.

Sparkasse Bonn - Konto Nr. : 154007298 - BLZ : 38050000

عنوانیمیز :

Postfach 450121  
50876 Köln  
Germany